هفته نامهٔ

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکربند محققاً آنان رابه راه خویش
هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

سرمقاله
چاره یی جز مجازات جنایتکاران نیست؟
ص۲

دو فرزانهٔ همروزگار دو بینش نا همگون
ص۴

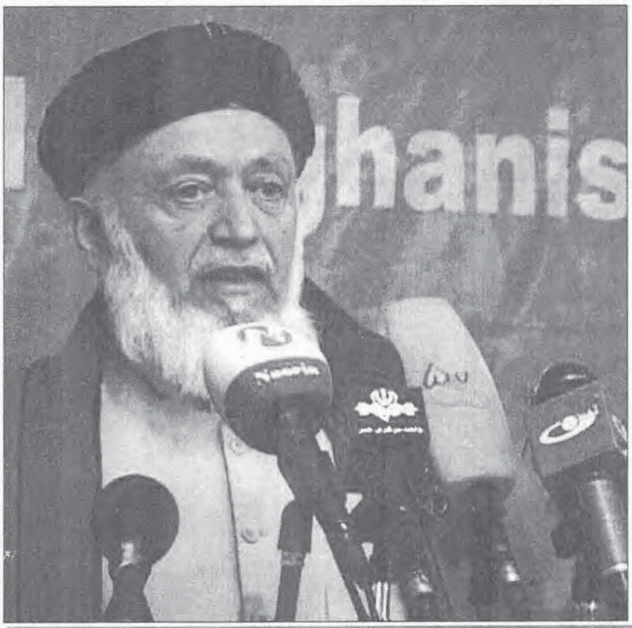
دعا در شعر شاعران جهاد و مقاومت
یک نگاهی زکرم جانب ما کن یارب
ص۲

دور ششم - سال هفتم - شمارهٔ بیست و چهارم شنبه ۲۵ عقرب ۱۳۸۷- ۱۶ ذوالقعده ۱۴۲۹ - 15 November 2008

استاد ربانی رهبر جهاد و مقاومت در نخستین گردهمایی شورای اخوت اسلامی افغانستان:

اختلاف به معنای افتراق نیست به معنای آزادی تفکر در اسلام است

ادامه درص۳



در یک نگاه

طالبان از فروپاشی در کابل تا امروز

مصطفی شهری

رژیم طالبان در بیستم عقرب سال ۱۳۸۰ در کابل فرو ریخت و آنان شتابان در پشت مرزهای جنوبی و جنوب غربی نا پدید شدند.

طالبان پیش از آن که در پی حادثهٔ ۱۱ سپتامبر به جرم همکاری با القاعده موردخشم امریکا قرار گیرند، بیش از شش سال با نیروهای دولت اسلامی افغانستان در نبرد بودند.

طالبان در ۵ میزان۱۳۷۵ با حمایت مستقیم پاکستان و حمایت های گسترده وغیرمستقیم برخی از کشورهای مقتدر جهان مانند ایالات متحدهٔ امریکا وارد کابل شدند.

طالبان پس از تصرف کابل در شمالی و درشمال کشور در طی پنج سال با مقاومت شدید مواجه شدند ومتحمل تلفات و خساراتی سنگنین گردیدند، البته این مقاومت برای مردم هم آسان تمام نشد. طالبان به نام حاکمیت شریعت و حکومت اسلام از هیچ نوع ظلمی در کل کشور به ویژه در مناطق شمال دریغ نکردند. کوچ اجباری مردم شمالی وبه آتش کشیدن خانه و باغ های آنان و اسیر کردن کودکان و زنان شان ادامه درص۲

نخستین گردهمایی بین المللی اخوت اسلامی در کابل برگزار گرید

گزارشگر: عنایت

این گردهمایی که به ابتکار شوری اخوت اسلامی افغانستان برگزارگردید، علمای دینی از جمهوری اسلامی ایران، مصر، سوریه، لبنان، پاکستان، قطر و چندین کشور دیگر اشتراک نمودند.

مهمترین اهداف این گردهمایی تقریب میان مذاهب اسلامی ایجاد اخوت وحدت مسلمانان وبرجسته نمودن نقش مسلمانان در معادلات بین المللی تشکیل می داد.

استاد برهان الدین ربانی رهبر جهاد و مقاومت و عضو شورای اخوت اسلامی در نخستین روز، این همایش سخنرانی نمود. ایشان در این سخنرانی گفتند که مذاهب اسلامی در اصول اختلافی ندارند، در امور فرعی اختلافاتی وجود دارد، این اختلافات نمایانگر آزادی اندیشه در اسلام است، وی تصریح کرد که اختلافات فرعی سبب افتراق و جدایی نمی گردد، بلکه باعث می شود که تا هرکس دیدگاه های خود را آزادانه بیان نماید.

استاد با تأکید بر حفظ اتحاد و یک پارچگی مسلمانان افزود:

دشمنان اسلام همیشه می خواهند تا بادامن زدن اختلافات، تفرقه ایجاد نمایند و مسلمانان را به نام های شیعه و سنی از هم جدا سازند. ادامه درص۸

دگاونډیو هیوادونو په ګډون

په "دوشنبه" کې د "ناټو" غونډه او لاملونه یې

۶ مخ



امریکا و تغییر راهکار نظامی در افغانستان

✓ فرض کنیم که ناتو بخواهد این استراتژی را تغییر دهد، در این صورت باید کشور های عضو ناتو ابزار های جدیدی را به میدان جنگ بیاورند. این کار نیازمند مصارف گزاف در بودجهء نظامی است. کشور های اروپائی با از میان رفتن اتحاد شوروی دیگر انگیزه ای برای سرمایه گذاری بیشتر در بخش نظامی به پیمانهء دوران جنگ سرد ندارند. ادامه درص۵

برگزاری همایش گفتگوی ادیان در سازمان ملل



همایش گفتگوی ادیان به ابتکار ملک عبدالله پادشاه عربستان سعودی و سازمان ملل در مقر آن سازمان در نیویارک برگزار گردید.

در این همایش که به روزهای چهارشنبه و پنجشنبهٔ هفتهٔ گذشته دایر شد ۱۷ تن از رهبران جهان شرکت نمودند. رئیس جمهور افغانستان آقای حامد کرزی نیز جهت اشتراک در این کنفرانس به نیویارک رفته است، شیمون پرز رئیس جمهور اسرائیل و جورج بوش رئیس جمهور امریکا از دیگر اشتراک کنندگان این همایش می باشند.

شاه عبدالله در سخنرانی خویش تروریزم را دشمن تمام ادیان و کشورهای جهان خواند. وی اظهار داشت اگر اصل تحمل یکدیگر و بردباری زیر سؤال نمی رفت مقولهٔ تروریزم هرگز مجال ظهور نمی یافت.

حضور همزمان ملک عبدالله با رئیس جمهور اسرائیل در این همایش و شرکت آنها در یک مجلس شام حادثهٔ مهمی از سوی تحلیلگران تلقی شده است. پرز در سخنرانی خویش از ملک عبدالله ستایش کرد و خطاب به وی گفت: اعلیحضرت نظر شما امیدوار کننده، درست و لازم است.

محمد خزاعی سفیر ایران که در این همایش شرکت داشت و سخنرانی کرد از حضور رئیس جمهور اسرائیل شدیداً انتقاد کرد و گفت نمایندهٔ رژیمی که تاریخ کوتاه آن آکنده از تجاوز، اشغال، ترور دولتی و شکنجهٔ مردم فلسطین است، آن هم به بهانهٔ تفسیر کاذب از یک دین الهی، تلاش کرده است از این نشست برای پیشبرد مقاصد تنگ سیاسی خود استفاده کند. ادامه درص۵

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر: دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل، عقب سینما بهارستان، کوچهٔ قصابی، دست چپ، کوچهٔ چهارم
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ و ۰۷۰۸۸۲۷۸۹۰
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

چاره یی جز مجازات جنایتکاران نیست؟

پس از افزایش نگران کننده میزان جنایت مانند آدم ربایی، قتل، تجاوز جنسی و سرقت، بیش از پیش ضعف ارگان های دولت در برقراری امنیت و تطبیق قانون برجسته گردید و مردم به صورت روز افزونی خواهان مجازات جنایتکاران و تطبیق قانون شدند.

تحت فشار این خواست افکار عامه، رئیس جمهور مجبور شد، حکم اعدام شماری از جنایتکاران را که مدت ها پیش از سوی دستگاه قضایی در جنایات سنگین مجرم شناخته شده بودند، توشیح نماید، به دنبال آن به تعداد ۹ تن از مجرمان اعدام شدند.

این اقدام دولت با واکنش های متفاوتی رو بروشد. منابع خارجی از جمله دفتر حقوق بشر سازمان ملل از این اقدام انتقاد نموده، خواهان توقف اعدام توسط دولت افغانستان گردید، دلیل عمده مخالفت حقوق بشر سازمان ملل با اعدام در افغانستان این است که، بنا بر موجودیت گستردهٔ فساد، دولت افغانستان، صلاحیت صدور و تطبیق حکم اعدام را ندارد و احتمال آن هست که بی گناهان مجازات شوند.

اما برای کودکان افغانستان که از ترس آدم ربایان و تروریستان، جرأت برون شدن از خانه و رفتن به مکتب را از دست داده اند. برای سرمایه گذارانی که جهت حفظ جان و مال و فرزندانشان در صدد فرار از کشوراند و برای سایر گروه های جامعه افغانستان، که در پهلوی فقر و جنگ، نبود امنیت و افزایش جرم و جنایت، زندگی را برای آن ها به کابوسی وحشتناک تبدیل نموده است، مجازات جنایتکاران مبرم ترین اقدامی است که دولت باید آن را عملی سازد.

برای دولت دشوار است که دست از مجازات مجرمان بر دارد، مجازات نکردن عاملان جرایم سنگین مانند قتل، آدم ربایی، تجاوزجنسی و فعالیت های تروریستی، دستگیری و محاکمهٔ آنها را بی مفهوم می سازد و بالتبع مشروعیت دولت زیرسوال می رود. در کشورما میان ضعف دولت و افزایش جنایت، رابطه معکوس ومتقابلی به میان آمده است. افزایش جنایت وازمیان رفتن امنیت، به تعضیف بیشتر دولت می انجامد و کارایی دولت بدون کاهش و محو جنایت ممکن نیست.

اما با توجه به فسادی که در ادارات دولت وجود دارد و با توجه به این نگرانی که زمینه محاکمه عادلانه برای متهمان میسر نیست، آن چنان که مخالفان اعدام بر آن تاکید دارند، دولت باید تدابیر واقدام های را جهت محاکمهٔ عادلانهٔ متهمان جنایات بزرگ روی دست بگیرد. برخی این تدابیر عاجل و کوتاه مدت و برخی آن دراز مدت می باشد.

اقدام های عاجل و کوتاه مدت مبارزه با جنایت این است که، زمینه های محاکمه عادلانه تر در محاکم و سارنوالی های آماده شود. علنی شدن جلسات محاکمه در مورد اتهامات سنگین مانند قتل، آدم ربایی و تجاوز جنسی و فعالیت های تروریستی، یکی از این زمینه هاست. در چنین محاکمات باید رسانه ها دعوت شوند، اشتراک در آن جلسات برای همه آزاد باشد و برای متهمان دست رسی به وکیل مدافع میسر باشد. علنی شدن محاکمه احتمال غیرعادلانه بودن آن را تا میزان زیادی کاهش می دهد.

از جانب دیگر، علنی شدن محاکم و تطبیق جزا، تاثیر روانی باز دارندهٔ در جامعه داشته، احترام به قانون واحترام به ارزش حیات انسان و امنیت را در میان مردم افزایش می دهد و مجرمین را از ارتکاب به جنایت باز می دارد، آنچه که در شریعت اسلامی به عنوان فلسفه علنی بودن محاکمه و مجازات به آن تأکیدشده است.

ادامه درص۵



در یک نگاه

طالبان از فروپاشی در کابل تا امروز

به بهانهٔ سالگرد سقوط طالبان

و واگذاشتن آنان در دشت سرشاهی ننگرهار و سپس در مخروبه های سفارت روسیه درکابل، و قتل عام خواجهٔ غارو آتش زدن بر هزار باغ در ولایت تخار و قتل عام مردم در مزار شریف و یکاولنگ در بامیان از نمونه های این مظالم تاریخی است.

طالبان همهٔ این کار ها را به نام تطبیق شریعت اسلامی انجام دادند، و مردم هم که سالیانی به جهاد در برابر اشغالگران شوروی پرداخته بودند به رهبری استاد ربانی و شهید احمدشاه مسعود در دفاع از خاک ومال و آبروی خود به مقاومت در برابر طالبان ادامه دادند و در طی جنگ هایی خونین از شمالی تا مناطقی در تخار به طالبان فهمانیده بودند که دراین مناطق مردمی می زیند که زندگی را فدای شرف وآزادگی شان می کنند، مقاومت های شمالی و پل بنگی و تنگی فرخار نشان داده بودکه طالبان پس از سیر صعودی رو به زوال نهاده اند.

این در حال بود که حادثه ۱۱ سپتامبر به وقوع پیوست و بسیاری از موازین و دیدگاه های قدرت های جهانی در رأس ایالات متحدهٔ امریکا در بارهٔ القاعده و بالتبع طالبان به شدت دیگرگون شد.

ایالات متحدهٔ امریکا که غرورش با حادثهٔ ۱۱ سپتامبر شدیداً آسیب دیده بود وارد عمل نظامی برضد طالبان شد. در این فرصت دولت اسلامی و جبههٔ متحد اسلامی ملی افغانستان که بیش از شش سال را در جنگ با طالبان که از حمایت بین المللی برخوردار بودندسپری کرده بودند دیدند که امریکا با طالبان وارد جنگ شده است، با دشمنی که سالیانی با آنان جنگیده است.

بدون کمترین شک در چنین حالی هرکه باشد زوال دشمنش را می خواهد.

آمریکا در آغاز درگیرشدنش با طالبان می خواست جبههٔ متحد اسلامی ملی افغانستان را در مدنظر نداشته باشد، این خواست برخی از کشورهای همسایه افغانستان که در قضیهٔ این کشوردخالت دارند و بسیاری از فعالان سیاسی افغانستان که در خارج از کشور فعالیت داشتند نیز بود. اما جبههٔ متحد اسلامی ملی افغانستان نخواست که جای طالبان را به دشمنان جدید بسپارد و به رغم فشاربرخی از کشورهای همسایه وارد کابل شد. حضور دوبارهٔ مجاهدین به رهبری استاد ربانی درکابل برای ایالات متحدهٔ امریکا و هم پیمانان آن و برخی از کشورهای همسایه و بسیاری از هماهنگان با امریکا قابل تحمل نبود مخصوصاً حکومت وقت پاکستان با ورود نیروهای جبههٔ ملی به کابل به مخالفت برخواست و پرویز مشرف از نیروهای بین المللی خواست تا جلو ورود نیروهای جبهه به کابل را بگیرند.

آمریکا و بسیاری از اذیال داخلی آن بر یک استراتژی دو پهلو سیر کردند، که از یک طرف باید طالبان را از صحنه بردارند و از سوی دیگر مجاهدین را. اما تجربهٔ بیش از شش سال درگیری بدین شیوه اکنون ثابت ساخته است که بسیاری از این استراتژی ها نه بر

دولت تازه به قدرت رسیدهٔ افغانستان که در آغاز برای دست گیری ملا محمدعمر و حکمتیار جوایزی تجویز کرده بود اکنون مصرانه در پی تفاهم و مذاکره با آنان برآمده است، و کشورهای مهم حمایتگر آن مانند امریکا و بریتانیا هم به گونه یی این کار را بر خلاف گذشته راه حل مشکلات افغانستان می خوانند.

***

مشکلات اساسی افغانستان در ساختار قدرت سیاسی و عدم عدالت و برابری نهفته است که ریشه در پیشینهٔ دور تاریخ معاصر افغانستان دارد.

واقعیت های جامعهٔ افغانستان که ذهنیات شماری از افراد خارجی و داخلی بنا یافته بوده است.

طالبان دوباره از مخفیگاه هایشان به در آمدند و در پهلوی اجرای عملیات های وحشت زای انفجاری و انتحاری برخی از مناطق مهم را در تصرف خود در آورده و بر دروازه های کابل رسیده اند.

دولت تازه به قدرت رسیدهٔ افغانستان که در آغاز برای دست گیری ملا محمدعمر و حکمتیار جوایزی تجویز کرده بود اکنون مصرانه در پی تفاهم و مذاکره با آنان برآمده است، و کشورهای مهم حمایتگر آن مانند امریکا و بریتانیا هم به گونه یی این کار را بر خلاف گذشته راه حل مشکلات افغانستان می خوانند.

آیا راستی مشکل افغانستان با پیوستن طالبان و حکمتیار به روند مذاکرات دولت حل خواهد شد؟ بدون شک پیوستن طالبان و حکمتیار به روند مذاکره وتفاهم - هر چندبسیار بعید المنال به نظر می آید_ برخی از مشکل های کنونی افغانستان را حل خواهدکرد و از میزان تلفات و نا امنی ها خواهدکاست اما بی تردید به مشکل بحران افغانستان نقطهٔ پایان نخواهد گذاشت. چون عوامل همهٔ مشکلات افغانستان حکمتیار وطالبان نیستند، افغانستان یک سری مشکلات بنیادین دارد که برای حل دایمی آن به حل مخلصانه و مجدانه باید پرداخت، مشکلاتی که تا هنوز کمترین توجهی صادقانه به آن ها مبذول نشده است. مشکل طالبان و مشکل حکمتیار به عنوان تجلیات و مظاهر آن مشکلات اساسی می توانند تلقی شود. بسیار ممکن است که روزی دیگر آنگاه که مشکل طالبان و حکمتیار حل شود، تبارزهایی تازه از این مشکلات را ببینیم.

مشکلات اساسی افغانستان در ساختار قدرت سیاسی و عدم عدالت و برابری نهفته است که ریشه در پیشینهٔ دور تاریخ معاصر افغانستان دارد.

از این چشم انداز، مذاکرات با طالبان و حکمتیار زمانی می تواند مفید واقع شود و به صلح و ثبات در کشور کمک کند که بر این عوامل اساسی توجه داشته باشد.

به تعبیر دیگر، مشکل افغانستان در اساس ریشه در عوامل درونی دارد و این عوامل درونی است که برای عوامل بیرونی زمینه فراهم آورده است.

به فرض پایان یافتن عوامل بیرونی بحران، آیا افغانستان به ثبات دست خواهدیافت؟ و به سوی شگوفایی و عدالت گام خواهد برداشت؟ فکر نمی شود که دو نفر هم در پاسخ منفی دادن به این پرسش اختلاف داشته باشند.

مهم این است که برای حل مشکل افغانستان اندیشهٔ بنیادی صورت گیرد، دلسوزان این کشور واقع بینانه به این بحران توجه و دوستان خارجی افغانستان آنان را در این راه یاری کنند.

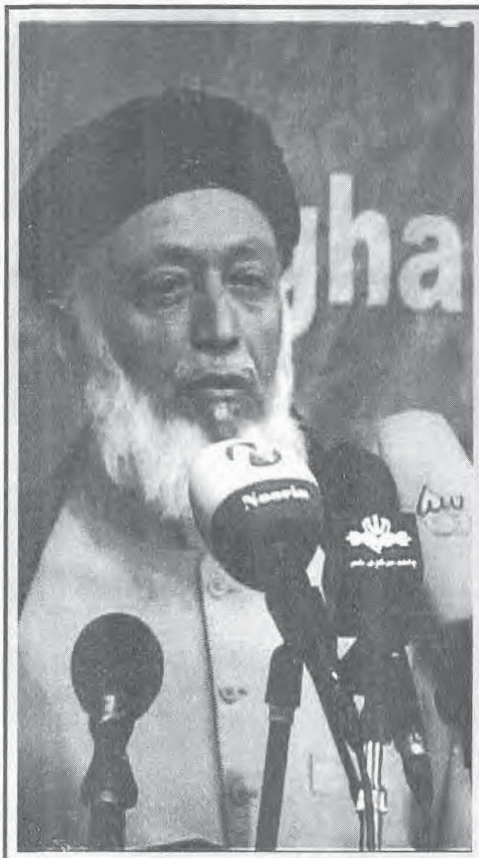
در این ساز وکار از همه مهم تر طالبان به نظر می رسند که باید با درس گرفتن از تجارب گذشته با اندیشه های تازه و رویکردهای تازه به مسائل وارد شوند، به گونه یی که درتلاش های امروزین همه باید فردای با ثبات و شگوفایی و عدالت را مدنظر بگیریم و برای پهلوهای مختلف مشکل کشور میکانیزم ها و ساختارهای دایمی طراحی کنیم.

استاد برهان الدین ربانی در نخستین گردهمایی شورای اخوت اسلامی افغانستان:

اختلاف به معنای افتراق نیست به معنای آزادی تفکر در اسلام است

***

ما باید تفکر وحدت و تقریب را به درون جامعه انتقال بدهیم تا مردم احساس بکنند که ما همه مسلمان و برادر هستیم، از لحاظ مذهبی اختلاف داریم، ما دشمن یک دیگر نیستیم



علما و میهمانان گرامی!

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

با سپاس از برادران محترم و به خصوص از جناب آیت الله محسنی در شورای اخوت که این مجلس را برگزار نمودند.

امیدواریم نشست های دو روزه ما به نتایجی منتج شود که به نفع کشورما و همه مسلمانان جهان باشد. اولاً به ارتباط اخوت اسلامی این حقیقت را باید به یاد داشته باشیم که قسمی که آیه قرآنی می فرماید: (إن هذه أمتكم أمة واحدة و أنا ربكم فاعبدون) اسلام دین وحدت و دین اخوت است. انتخاب کلمهٔ اخوت اسلامی از طرف شورای علمای مسلمان در افغانستان، مفهوم فراتر از مساله تقریب دارد. موضوع تقریب از جمله قضایا های مهم و نیازهای مبرم جهان اسلام بخصوص در جهان امروزی ماست. قابل ذکر است که در دوره های گذشته، در دوره اموی ها و بعدا در دوره عباسی ها کشمکش های بسیارخونین در میان اهل مذاهب، به خصوص در میان پیروان دو مذهب بزرگ، اهل سنت و تشیع شروع شد که، نتایج نا مطلوب داشت. اما این اختلافات بیشتر توسط دولت ها و نظام های سیاسی به میان آمد ودرمیان علما ومردم آن چنان کشمکش ها وجود نداشت، البته عده یی بودند که کشمکش ها را دامن می زدند. اما برخلاف این عده بازهم در مقاطع مختلف ما شاهد حرکت های تقریب بودیم ، در عصر امروزی حرکت بسیارعمده در میان علمای الازهر و علمای ایران آغاز شد و مساله تقریب به عنوان یکی از نیازهای علمای الازهرو بخصوص از طرف شیخ شلتوت و آیت الله بروجردی ودیگر علما به عنوان یک حرکت عملی شروع شد و نتایجی بسیار ارزشمندی داشت.

حضارگرامی! آیا جای تعجب نیست، در حالی که گفتگوی مذاهب به عنوان یک اصل در جهان مطرح می شود و درملل متحد هم به عنوان یک نیاز جهانی مطرح می شود، مسلمانان بگذارند میان خود شان کشمکش ها و اختلافات به نام این مذهب و آن مذهب جریان داشته و مسلمانان را پارچه پارچه بسازد و دست های شان را در میان امت اسلامی دراز بکنند و مصیبت های ما را چند برابر بسازند. بنابرین مساله تقریب و اخوت یک نیاز کاملاً جدی است، اختلاف درمیان انسان ها یک مساله فطری است و درمیان مسلمانان وجود دارد، اما اختلاف به معنای افتراق نیست، اختلاف به معنای آزادی تفکر در میان مسلمانان است که یکی ازامتیازات و برجستگی های اسلام است . خداوند آزادی تفکر را منحیث یک حق فطری به انسان ها بخشیده ومسلمانان حق دارند، در مورد استنباط احکام، استنباط ارزش ها ازنصوص آزادانه فکر کنند. مسلمانان پیرو هردو مذهب یقیناً بعد از کتاب الله و سنت اصحاب پیغمبر و یاران رسول اکرم صلی الله علیه وسلم است به تفکر مذهبی و به تفکر فقهی منسوب می دانند، باید توجه کرد که آداب اختلاف در میان آنها چطور بود، نخستین اختلافی که در جهان اسلام به میان می آید، سر مسأله تشکیل دولت و نظام سیاسی صورت گرفت، در تاریخ اختلافات اسلامی ما دو نوع اختلاف داریم، اختلافات سیاسی و اختلافات فلسفی، کشمکش ها در طول تاریخ بیشتر در بعد سیاسی بوده، اما در بعد فقهی و بعد فلسفی و فرهنگی کشمکشی نیست. مابایـد آداب اختلاف را بیاموزیم، از پیشوایان بزرگ حضرت ابوبکر، عمر و عثمان و علی بیاموزیم. از انصار و مهاجرین بیاموزیم. اولین اختلافی که در میان اصحاب به میان آمد، بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم برسر جانشینی پیامبر اسلام به میان آمد. این اختلافات میان مهاجرین و انصار اختلاف به میان آمد. در سقیفه بنی ساعده انصار می خواستند برای خود رهبر تعین کنند، مهاجرین آمدند و گفتند که این مورد پذیرش ما نیست و به اصطلاح امروزی می گفتند اکثریت مسلمانان را قریش تشکیل می دهد، قدرت واقعی آنان هستند و باید از جملهٔ قریش باشد، از جملهٔ اکثریت باشد. اختلاف بالاخره منجر به این شد که از میان حزب اکثریت که قریش باشد حضرت ابوبکر برگزیده شد وقتی حضرت ابوبکر برگزیده شد، انصارکه مخالف بودند، آمدند و دست بیعت دادند، اختلاف را کنار گذاشتند، حضرت علی کرم الله و جهه خاندان بنی هاشم هم نظر خاص خود را داشتند ، آنها فکر می کردند که حضرت علی کرم الله وجهه سزاوارتراست. تامدتی به این نظرخویش پافشاری داشتند

اما بالآخره حضرت علی خلافت حضرت ابوبکر را پذیرفت، خلافت حضرت عمر و حضرت عثمان را هم پذیرفت. تا جای که حضرت عمر می گوید که لو لا علی لهلک عمر، اگر علی نمی بود عمر تباه شده بود.یعنی همه منحیث یک تیم کار می کردند، نه به عنوان این که مربوط به کدام تفکرات خاص فقهی هستند، به هر حال ما بیاموزیم از آن ها، نیاموزیم از کشمکش های اموی ها و عباسی ها که دست به کشمکش زدند، بر ضد یک دیگر فتوا دادند،مابایـد از منابع اصیل اسلامی که عبارت از همان اصحاب پیامبر است ازآداب اختلاف آن ها بیاموزیم. اختلاف آنها برای تفرقه نبود، اختلاف دیدگاه ها بود، وقتی مسأله حل می شد، آنجا اختلاف کنار گذاشته می شد،

منظور از تقریب مذاهب و اخوت اسلامی چیست؟ منظور از تقریب مذاهب این است که اول همان پنج اصلی که در اسلام است، باید مراعات کنیم.

پیامبر صلوات الله علیه می فرماید: (ترکت فیکم أمرین لن تضلوا مالم تمسکتم بهما کتاب الله و سنتی) و یا (عترتی) تا زمانی که شما به این دو تمسک می جویید گمراه نمی شوید. کتاب خداوند و سنت پیامبر، (لاترجعوا بعدی کفاراً یضرب بعضکم رقاب بعض) بعد از من شما طوری رفتار نکنید که یکی گردن دیگر را بزنید.

ما وقتی که تقریب مذاهب می گویم، تقریب مذاهب به معنای توحید مذاهب نیست، به معنای این است که سنی شیعه و شیعه سنی شود. اما دو برادر هستند و هر دوشان در پهلوی همدیگر از اسلام دفاع می کنند، از ارزش های اسلامی دفاع می کنند، نباید یک دیگر خود را کافر، همدیگر خود را مبتدع بگویند، تقریب مذاهب باید محدود به نخبه ها نباشد که نخبه ها بنشینند و حرف برادری بزنند اما امت و عوام را بگذارند که یک دیگر خود را بکشند، ما باید تفکر وحدت و تقریب را به درون جامعه انتقال بدهیم تا مردم احساس بکنند که ما همه مسلمان و برادر هستیم، از لحاظ مذهبی اختلاف داریم، ما دشمن یک دیگر نیستیم و پیام دیگر تقریب مذاهب این که است که، ما در یک صف واحد در برابر دشمن واحد قرار بگیریم و در برابر توطئه های که همه مسلمانان را هدف می گیرد، قرار بگیریم. آماج توطئه ها تنها سنی نیست، تنها شیعه نیست، آماج توطئه اسلام و هم مسلمانان است، به این اساس ما هرگز اجازه ندهیم و بگویم که چه فرق می کند، اگر فعلا سنی ها سرکوب می شوند ما شیعه ها تماشا می کنیم، یا شیعه ها سرکوب می شوند، ما سنی ها تماشا بکنیم، بلکه همه با یک مشت واحد بر فرق هر توطئه گری بکوبیم.

ما شاهد هستیم که در همین عصرما چه توطئه هایی در لبنان به میان آمد، بعد از پیروزی که در لبنان توسط حزب الله صورت گرفت و یقیننا یک افتخار بزرگی برای جهان اسلام بود، نزدیک بود فتنه آنجا ایجاد شود. اما می بینیم با درایت زعمای سنی و شیعه لبنان این ها اختلافات کنار گذاشته شد، در عراق چه خونریزی ها و کشمکش هایی میان سنی و شیعه به میان آمد، می خواستند مسجد را منفجر بکنند و به نام شیعه اعلان کنند، مزار ائمه را منفجر بسازند و به نام سنی اعلان بکنند، این فتنه ها یقیننا آثاری بسیار بد به میان آورد، اما بالاخر علما متوجه شدند و آن را حل کردند اما در افغانستان، گرچه دست های بوده وهست و در بعضی مراحل هم آن ها کامیاب هم شدند و منجر به یک سلسله خونریزی های هم شد. اما در اثر اخلاص و درایت و صدق وصفای علما و سیاست مداران سنی و هم سیاست مداران و علمای شیعه، جلو این فتنه ها گرفته شد و امروز ما درافغانستان شاهد مجلس اخوت اسلامی هستیم، این مجلس گرچه بسیار متواضع است گاهی در یک مسجد اجلاس دایر می کند، گاهی در خانه یی و یا در دفتری محقری، اما از لحاظ عظمت اثرات مهم داشته به عنوان مثال برای بار اول عید فطر را مسلمانان شیعه و سنی در مزار شریف در پشت یک امام به جا آورند. اکنون مجالسی مشترکی در روز های مانند عاشورا از طرف علمای شیعه گرفته می شود، سنی ها هم عاشور را برگزار می کردند و در یکی از این مجالس در مسجد عیدگاه، علمای شیعه را دعوت کردند.

این حرکت یک تئوری نیست بلکه منحیث یک پروژه یی عملی در تعاملات سنی ها وشیعه های افغانستان حضور دارد.

در تقریب مذاهب باید سیاست مداران جهان اسلام نیز حضور داشته باشند. زیرا قسمی که آیت الله محسنی اشاره کرد مگر کشورها نمی خواهند که وحدت ملی داشته باشند، متحد باشند، وحدت ملی وظیفهٔ دولت هاست، پیام احزاب سیاسی است. پس وقتی که ما وحدت ملی می گوییم، لذا تقریب مذاهب عنصر اساسی در وحدت ملی است و هیچ عنصری در وحدت ملی قوی تر از دین نیست، در زمانی که ما می گوییم ملت خود را واحد می سازیم ، نمی توانیم به نام این قوم و آن قوم، به نام این مذهب و آن مذهب، ملت را متحد بسازیم، چیزی که ما را متحد می سازد دین است، اسلام است، در زمان جهاد ما شاهد این حقیقت بودیم، امروز کوچی ها در برابر مردم بهسود تحریک می شوند، و این ها در برابر هم قرار می گیرند، اما دیروز همین کوچی ها به برادران شیعه شان سلاح می بردند و برای شان کمک های دیگری نیز می کردند. کوچی ها آن زمان می دانستند که این جهاد به خاطر اسلام است. دین مال مشترک ماست، لذا باید تقریب مذاهب یا اخوت اسلامی تنها منحصر به علما نباشد، اخوت اسلامی باید پیام دولت داران باشد. زمامداران جهان اسلام برای توحید و یک پارچگی جهان اسلام باید در جهت نزدیکی مذاهب کار کنند، زمامداران باید بدانند دولتی که برای وحدت مسلمانان کار نمی کند، جایگاه و پایگاهی در میان مسلمانان ندارد.

أقول قولی هذا و استغفر الله لی و لکم و لسائر المسلمین



دو درخت تناور در دو کرانهٔ رود
دست نیایش بر آسمان بلند کرده اند
هر دو از یک رود بار آب می نوشند
مرغان مهاجر گاهی بر شاخه یی از این و گاهی بر شاخه یی از آن می نشینند.
ریشه های آنها در ژرفای رود در آغوش هم فرو رفته اند.
اما خدایا!
چرا آنها رویا روی با هم سخن نمی زنند
(از یک سرود کهن جامیکایی)

***

سعدی و جلال الدین محمد همروزگار اند. سعدی پیش از آن که سدهٔ هفتم هجری آغاز یابد و سالی چند بیشتر از آن که جلال الدین محمد در بلخ چشم به جهان بگشاید در شیراز به دنیا آمد و زندگی پر بار او بیست سال دیگر پس از خاموشی جلال الدین محمد بلخی هم درازا یافت.

در همان آوان که جلال الدین محمد

برای فراگیری دانش و آزمون بیشتر رهسپار شام شده بود، سعدی هم در شام می زیست و در دمشق و حلب و بعلبک به سیر انفس و آفاق سر گرم بود.

از شگفتی هاست که با وجود همروزگار بودن و با این که در آن دوران نام این دو فرزانهٔ بزرگ در هر کوی و برزن سرزمین های اسلامی بر زبان ها جاری بود، در کتاب های گرانسنگی که از آنان به جای مانده است هیچ گونه اشارهٔ آشکار به دیدار و آشنایی میان ایشان به چشم نمی خورد.

گروهی از پژوهشگران خواسته اند، این حکایت از بوستان سعدی را گواه دیدار سعدی و جلال الدین محمد وانمود نمایند:

شنیدم که مردیست پاکیزه بوم
شناسا و رهرو در اقصای روم
من و چند سیاح صحرا نورد
برفتیم قاصد به دیدار او مرد
سرو چشم هر یک ببوسید و دست
به تمکین و عزت نشاند و نشست
زرش دیدم و زرع و شاکر درخت
ولی بی مروت چو بی بر درخت
به لطف سخن گر مرو مرد بود
ولی دیگدانش عجب سرد بود
همه شب نبودش قرار و هجوع
ز تسبیح و تهلیل و ما راز جوع
سحر که میان بست در باز کرد
همان لطف و پرسیدن آغاز کرد
یکی بد که شیرین و خوش طبع بود
که با ما مسافر در آن ربع بود
مرا بوسه گفتا به تصحیف ده
که درویش را توشه از بوسه به
کرامت جوانمردی و نانده‌یست
مقالات بیهوده طبل تهیست

ولی این تصویر، تصویر پارسانمای خشکمغزیست نه تصویر جلال الدین الدین محمد بلخی که تا درفش شکوهندهٔ نام او برپاست وارثان گنجینهٔ فرهنگ ما خود را یتیم احساس نخوهند کرد.(۱)

در مناقب العارفین افلاکی آمده است:

"... کرام اصحاب عظام روایت کرده اند که ملک شمس الدین هندی که ملک شیراز بود. رقعه یی به خدمت اعذب الکلام و الطف الأنام شیخ سعدی اصدار کرده استدعا نمود که غزلی که محتوی بر معانی عجیب باشد از آن هرکه باشد بفرستی تا غذای جان خود سازم.

شیخ سعدی غزلی نو از آن حضرت مولانا که در آن ایام به شیراز برده بودند و خلق به کلی ربودهٔ آن شده، بنوشت و ارسال کرد و آن غزل این است:

هر نفس آواز عشق می رسد از چپ و راست
ما به فلک می رویم عزم تماشا کراست

و در آخر رقعه اعلام کرد که در اقلیم روم پادشاهی مبارک قدوم ظهور کرده است و از نفحات سر او ست، از این بهتر سخن نگفته اند ونخواهند گفت. مرا هواست که زیارت آن سلطان روم و رویم را بر خاک مبارک او بمالم تا معلوم ملک باشد. همانا که ملک شمس الدین آن غزل را مطالعه کرد از حد بیرون گریه ها کرد وتحسین ها داده مجمع عظیم ساخته بدان غزل سماع ها کردند و تحف بسیار به خدمت شیخ و شکرانه فرستاد

و آن بودکه عاقبت الامرسعدی به قونیه رسید به دستبوس آن حضرت مشرف گشته ملحوظات نظر عنایت مردان شد و گویند که ملک شمس الدین از جمله معتقدان شیخ سیف الدین باخرزی بود. آن غزل را در کاغذی نوشته با ارمغان های غریب به خدمت شیخ فرستاد تا شیخ در سرآن چه گوید.

جمیع اکابر شهربخارا در بندگی شیخ حاضر بودند. چون شیخ آن غزل را مطالعه نمود، نعره یی بزد و بیخود شد. چندان شور ها کرده جامه ها دریده فریادها کرد که در حساب نیاید. بعد از آن فرمود:

زهی مرد نازنین! زهی شهسوار دین
زهی قطب آسمان زهی رحمت زمین

الحق که کافه مشایخ ما ضی در حسرت دیدار چنین مردی بودند" ۲

روایت افلاکی را به چند دلیل نمی توان سزوار پذیرش دانست: نخست این که در پیرامون سفر سعدی به قونیه هیچ گونه مدرکی که بتوان بدان باور داشت در دست نیست.۳

دو دیگر اینکه ملک شمس الدین جر شمس الدین حسین صاحب دیوان که از واژگونی آل سلغر از سوی ایلخانان مغل بدین کار گماشته شد کس دیگری نتواندبود. او به تاریخ ۶۷۱ هجری به صاحب دیوانی فارس گماشته شد در حالی که سیف الدین باخرزی که از شاگردان نجم الدین کبری بود به سال ۶۵۸ و بنا به روایتی هم سال ۶۵۷ زندگی را پدرود گفته است.۴

نویسندهٔ روضات الجنات از "عجایت البلدان چنین نقل کرده است:

"گویندکه شیخ اهل طریقت مصلح الدین سعدی شیرازی در اوقات سیاحت به شهر مولینا رسیده و درموضعی که میانهٔ آن و خانقاه مولینا مسافتی بود، فرود آمد و روزی در صدد آن شد که برطریقه او غزلی بسراید. این مصرع بگفت: سرمست اگر درآیی عالم به هم برآید. راه سخن بر وی بسته گشت و مصراع دوم را به نظم نتوانست کرد. پس درمجلس سماع به خدمت مولینا رسید.

اولین سخنی که برزبان مولینا گذشت این بود:

سرمست اگر درآیی عالم به هم برآید
خاک وجود ما را گرد از عدم برآید

و شیخ سعدی دانست که آنچه مولینا می گوید از غلبهٔ حال است و عقیدت او به صفای باطن وی بیفزود.۵

پذیرفتن این روایت نیز بسیار دشوار است. زیرا سعدی در همان اوانی که جلال الدین محمد به اوج نام آوری رسیده بود از سفر دور و دراز خویش به شهر خود بازگشت و تا هنگامی که خداوندگار بلخ جهان را پدرود گفت. مجال سفر تازه نیافت.۶

اگر سخن عده یی از پژوهشگران را بپذیریم که سعدی دو بار به حجاز سفر کرده است، دومین سفر او شاید هنگامی صورت گرفته باشد که مدتی از مرگ جلال الدین می گذشت. آشکار است که درچنین سفری حتی اگر بپذیریم که جلال الدین محمد هنوزهم زنده بود- سعدی نیازی به عبور از قونیه نداشته است. زیرا"خط سرشمالی در راه حجاز از تبریز، دیار بکر وحلب می گذشت و آنگاه به سوی جنوب می رفت"۷ از سوی دیگر اگر چنین رویدادی در زندگی هر یک از این دو بزرگمرد صورت می پذیرفت بی گمان در نوشته های سروده های آنان بازتاب گسترده می یافت. چه بسا که آن دو در کوی و برزن دمشق یا خانقاه و درسگاه ابن عربی بارها چون دوناشناس از کنارهم گذشته باشند ولی بدانگونه که در آن سرود جامیکاهی آمده است، هیچگاه باهم رویا روی سخن نگفته اند.

کسانی که غزل باشکوه جلال الدین محمد با این سرآغاز را خوانده اند:

بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست
بگشای لب که قند فراوانم آرزوست

هنگامی که در دیوان سعدی این بیت ها را می خوانند:

از جان برون نیامده جانانت آرزوست
زنار نا بریده و ایمانت آرزوست
مردی نه یی و خدمت مردی نه کرده ای
و آنگاه صف صفهٔ مردانت آرزوست
بر درگهی که نوبت ار نی همی زنند
موری نه ای و ملک سلیمانت آرزوست
فرعون وار لاف اناالحق همی زنی
و آنگاه قرب موسی عمرانت آرزوست

شاید بیندیشند که این بیت های انباشته از نیشخند و تعریض پاسخیست به غزل یاد شدهٔ جلال الدین محمد.

این غزل با اندک تفاوت در پاره یی از بیت ها در کلیات شمس نیز آمده است، ولی بسیاری از پژوهشگران آن را از سعدی دانسته اند. ۸

پی نوشت ها:

۱- گفته اند که این شعر سعدی دربارهٔ بابا اسحق مشهور به بابا رسول که در آماسیه (از بخش های طرابوزان) میزیست و بعدها یکی از شاگردان او به نام حاجی محمد بکتاش (در گذشته به سال ۲۸۲ هجری تأثیر اندیشه های حروفیان، گروه بکتاشیه را تشکیل بخشید، سروده شده است.

۲- مناقب العارفین، با تصحیح و حواشی و تعلیقات تحسین یازیجی، انقره: ۱۹۶۱، ص۲۶۶-۲۶۷.

۳- محیط طباطبایی، "مولوی و سعدی"، راهنمای کتاب، شماره های ۴-۶، سال ۱۹، ص۲۹۱-۲۹۲.

۴- بدیع الزمان فروزانفر، رساله در تحقیق احوال و زندگانی مولانا جلال الدین محمد مهشور به مولوی، ص۱۳۹.

۵- همان، ص۱۳۹.

۶- مولوی و سعدی ص۲۹۰.

۷- همان ص۲۹۱.

۸- رساله در تحقیق احوال و زندگانی مولانا... ص۱۴۰

دعا در شعر شاعران جهاد و مقاومت

یک نگاهی زکرم جانب ما کن یارب

عبدالقیوم ملکزاد

دیرگاهیست که خامهٔ این راوی حکایت های غمبار و قصه های معرکه های خونبار و کارنامه های دلیران عرصه های پیکار را، سخن بر سر نیایش است.

نیایشی که از دل داغدار اخلاص کیشان برخاسته و سیمای شعر و ادب را با پرتوش آراسته..!

نیایشی که با جوشش دریای سرشک خداجویان و ناله های زار اسیران و یتیمان در آمیخته و با قلم شیوای سخنوران درد آشنا، به روی صفحات کاغذ ریخته..!

اینک باز مجال آن فراهم آمده تا خوشه هایی از چنین خرمن ها برچینم و به پیشگاه ادب دوستان و ارباب نیاز تقدیم بداریم.

از شاخسار درخت تناور اشعار ناب تارشی شیرین سخن پیش از این نیز ابیاتی که حاوی طعم نیایش بود، برچیده بودیم. با مرور مجدد برسروده های آن سخنور نامور، بیت دیگری نیز فراچنگ آمد که، در آن می خوانیم:

برای گریه به درد وطن بده یارب
هزار دیدهٔ خونین و اشکبار مرا

آری! در قلهٔ رفیع دل دردمند سنگر نشیناتی چون تارشی مجالی بر ره یافتن گرگ یأس از بهر شکار نخواهد بود. او معتقد است گرچه آهوی وحدت شکارش نشد، اما با آنهم او و همرزمان او را جز خدا اتکایی نمی باشد.

***

یکی از معروفترین نیایشنامه های آغازین جهاد، سروده ایست از شاعر دردمند و سنگر نشین با اخلاص و پاک اندیش شهید مصطفی که جان شیرینش را در روز هایی که خورشید جهاد برضد ملحدین تازه درخشیده بود، در مقابله با اهریمن سرخ از دست داد.

دعا نامهٔ منظوم شهید مصطفی - که با ردیف یارب یارب نگارش یافته سراپا آگنده از اخلاص است و سوز. گفتنی است که مصطفی شهید، آن شاعر با احساس، یکی از یاران نزدیک قهرمان ملی کشور شهید احمدشاه مسعود (رح) بود.

وی در یکی از مناجاتش از زبان همسنگرانی که باوی مصروف نبرد بی امان با بی خدایان بودند، حالت پریشانی مردم کشور را در قالب دعا نیک به تصویر کشیده و با فراشتن دست نیاز به بارگاه خدای کارساز می طلبد تا پای ملت مظلوم را از بند اسارت آزاد سازد و آنگاهی که مجاهدان بر صف دشمن یورش می برند، در دل خصم رعب و وحشت بیافریند، تا بدین وسیله بر شوکت و شأن مجاهدان راه خدا افزوده آید.

طوری که اشارت رفت این سرودهٔ زیبا در ماه سنبلهٔ ۱۳۵۸ هجری خورشیدی به نشر رسیده بود. نگارنده معتقد است که شاعر غالباً خیلی ها بیشتر از تاریخ متذکره آن سرودهٔ زیبا را در حالی که در دل سنگر گرم جهاد به سر می برد، به روی صفحهٔ کاغذ ریخته است.

به ابیاتی از این سروده توجه می کنیم:

یک نگاهی زکرم جانب ما کن یارب
دل مجروح بلادیده دوا کن یارب
بنگر سوی پریشانی و ناچاری ما
پای ما از غل و زنجیر رها کن یارب
به زنان و به ضعیفان ستمدیدهٔ ما
به اسیران گرفتار جفا، کن یارب
در دل دشمن ما وسوسه و رعب انداز
عالمش از غم و تشویش به پا کن یارب
هیبت شوکت ما را بنما بر رخ شان
مرغ آزادی ما نغمه سرا کن یارب

در ادامهٔ نیایشنامهٔ مصطفی شهید به جنایات کمونستان در برابر کودکان نیز اشاره شده و وضع حاکم به پردهٔ سیاهی تشبیه گردیده که به اثر مکر و حیلهٔ دشمنان دین و وطن پدیدار گشته است.

مصطفی شهید در شعر مذکور ضمن این که برای جوانان وطن طالب همت و احساس جان بازی و فداکاری می باشد، صحنه های نبرد را به مناظری از دشت کربلا تشبیه کرده است که با نقل ابیات دیگر شعر مملو از اخلاص وی، روح آن شهید عزیز را شاد می خواهیم و برایش از بارگاه خداوند فردوس برین آرزو می کنیم:

پردهٔ شام سیاه از سر ما بالاکن
صبح آزادی ما پرده کشا کن یارب
مکر و تدبیر و همه نقشهٔ شیطانی شان
نقش بر آب کن و جمله فنا کن یارب
به جوانان وطن همت و جانبازی بخش
به همه قوم تو توفیق عطا کن یارب
ار بود دشمن ما صاحب افزار و سلاح
به سرش محشری از غیب به پاکن یارب
تو به ما قدرت انفاذ شریعت بخشای
کاخ نورانی توحید بنا کن یارب
کربلا شد وطن از مرگ عزیزان حسین
بر سر دشمن ما کرب و بلا کن یارب
تا شود روح محمد خوش و خورسند زما
روشن از مشعل توحید همه جاکن یارب

امریکا

و تغییر راهکار نظامی در افغانستان



وحید مژده

مدت هاست که از ضرورت تغییر در استراتیژی ایالات متحدهٔ امریکا سخن گفته می شود. در این ضرورت دولت افغانستان و نیروهای ناتو نظر مشابه دارند اما سؤال این است که چنین تغییری در کوتاه مدت ممکن است؟

از دید دولت افغانستان این تغییر باید حملهٔ تمام عیار به مناطق قبایلی آنسوی دیورند را شامل گردد که مراکز تسلیح، تمویل و آموزش جنگجویان طالب و القاعده در آنجا قرار دارد. مردم افغانستان خواستار آنند که نیروهای خارجی در عملیات شان به مردم غیرنظامی ضرر وارد نکنند و نظر دولت امریکا اینست که از تجربهء جنگ عراق در افغانستان استفاده شود، نیروی بیشتری به افغانستان اعزام گردد به کمک سران قبایل به ساختن نیروهای ملیشه اقدام گردد.

ناتو نیروئی برای مقابله با جنگ چریکی نیست

نخستین مانع در راه تغییر استراتژی نظامی این حقیقت است که ناتو یک پیمان نظامی برای مقابله با جنگ های تمام عیار جبهه ای است نه برای مقابله با مقاومت ستیزه جوی چریکی. سلاح و امکانات نظامی این نیرو نیز برای جنگ چریکی مناسب نیست. سازوبرگی که یک سرباز ناتو در هنگام عملیات با خود حمل می کند نشان می دهد که وی چقدر گرانبار است و این مسئله قدرت تحرک را که لازمهء ابن نوع جنگ هاست از سرباز می گیرد. بخصوص که جنگ در کوهستان ها نیازمند سبک بار بودن است.

تجهیزات ناتو نیز مناسب این جنگ نیست. بعنوان مثال طیارات اکتشافی تورنادو برای جنگ های جبهه ای مناسب است. این طیارات می توانند از مواضع ثابت دشمن فیلم و عکس تهیه نماید که نیروهای خودی مواضع و استحکامات دشمن چون سنگر ها، مواضع توپخانه، آتشبار های ضد هوائی، انبار مهمات و سوخت وغیره را تشخیص دهند. در جنگ جبهه ای این معلومات مهم و حیاتی است.

اکنون می بینیم که این طیارات مدرن در میدان جنگ افغانستان چگونه عمل می کنند؛ یک طیارهء تورنادو از روستائی (مثلا عزیز آباد در شین دند) در شرایطی عکسبرداری می کند که تعدادی موتر پک آپ و موتر سایکل وارد این روستا می شوند. این معلومات به مرکز فرماندهی گزارش می شود. ساعتها طول می کشد تا خانه هائی که این افراد به آنجا رفته اند تشخیص گردد. شمار افراد مسلح هم تشخیص می گردد. چند ساعت طول می کشد تا آمادگی برای حمله گرفته شود.

اما در روستای مذکور جنگجویان به مسجد می روند و نماز مغرب را با مردم یکجا ادا می کنند و بعد هر روستائی به اندازهء توان خود دو یا سه نفر را به خانهء خود برای صرف غذا دعوت می کند. غذا بسرعت صرف می شود و سپس جنگجویان مسلح دوباره سوار به موتر و موتر سایکل بسوی هدف که شاید یک کمین در مسیر جادهء عمومی یا حمله بر یک پوستهء امنیتی باشد حرکت می کنند.

زمانیکه به طیارات فرمان حمله داده می شود، ساعتهاست که دیگر طالبی در روستا وجود ندارد. بمباران آغاز می شود و صدها روستائی شامل زن وطفل شهید می شوند. افسران نظامی ناتو با استناد به عکس هائی که در دست دارند می گویند که دهها طالب در این حمله کشته شده اند. ادعاهای همه روزهء نیروهای خارجی در مورد کشته شدن دهها و صد ها طالب بیشتر از این گونه است. اگر این ادعا ها درست می بود باید امروز طالبی در افغانستان باقی نمی ماند. تورنادو ها نمی توانند میان محفل عروسی و تجمع جنگجویان فرق بگذارند و فرماندهان ناتو هم بیشتر از شاهدان عینی که مدعی کشتار غیرنظامیان بدست خارجیان اند، به عکس های گرفته شده توسط طیارات تورنادو باور دارند.

اکنون فرض کنیم که ناتو بخواهد این استراتژی را تغییر دهد، در این صورت باید کشور های عضو ناتو ابزار های جدیدی را به میدان جنگ بیاورند. این کار نیازمند مصارف گزاف در بودجهء نظامی است. کشور های اروپائی با از میان رفتن اتحاد شوروی دیگر انگیزه ای برای سرمایه گذاری بیشتر در بخش نظامی به پیمانهء دوران جنگ سرد ندارند.

آیا می توان آنچه را که مردم بخصوص در جنوب کشور در طی هفت سال گذشته شاهد بودند از ذهن آنان زدود؟ آیا می توان روحیهء سربازان امریکائی را در کوتاه مدت تغییر داد تا از این ببعد رفتار بهتری با مردم غیر نظامی داشته باشند؟

***

بخش بزرگی از کشورهای عضو ناتو علاقه ای برای اعزام بیشتر سرباز به افغانستان ندارند. این امریکاست که شاید نیروی بیشتری به افغانستان بفرستد اما به چه تعداد؟

ازدیاد سربازان

تغییر دیگری که در استراتژی نظامی در افغانستان مورد بحث است ضرورت به ازدیاد نیروهای خارجی است. افسران ناتو بارها از کمبود نیرو ووسایل در افغانستان شکایت داشته اند، اما بخش بزرگی از کشورهای عضو ناتو علاقه ای برای اعزام بیشتر سرباز به افغانستان ندارند. این امریکاست که شاید نیروی بیشتری به افغانستان بفرستد اما به چه تعداد؟

اعزام سرباز به هر کشور درگیر بحران با توجه به عمق و وسعت بحران فرق می کند و میان نفوس کشور درگیر بحران و تعداد سربازانی که باید فرستاده شوند تناسب وجود دارد. موسسهء تحقیقاتی راند که به وزارت دفاع امریکا در بخش نظامی مشوره می دهد می گوید که برای اینکه بتوان در کشوری مانند افغانستان یک عملیات نظامی موفق را براه انداخت، برای هرهزار تن از جمعیت به یازده سرباز نیاز است. امروز این نسبت ۴/۴ سرباز برای یک هزار نفر است که بسیار ناکافی است.

بر اساس این نظر موسسهء راند در افغانستان به ۴۴۰ هزار سرباز نیاز است تا این جنگ به نتیجهء مطلوب برسد. اما اگر بخواهیم مناطق قبایلی آنسوی دیورند را نیز در عملیات نظامی شامل سازیم در آنصورت به بیش از نیم ملیون سرباز ضرورت است. چنین نیروی عظیمی نیز به مصارف گزاف نظامی خواهد داشت. این درحالیست که نیروهای موجود در افغانستان از کمبود وسایل مورد نیاز از جمله نفربرهای زرهی مقاوم در برابر ماین های کنار جاده و هلی کوپتر در رنج است.

تامین نیاز های چنین نیروی عظیم از غذا گرفته تا لباس و اسلحه و بخصوص مواد سوخت نیازمند راههای اکمالاتی مطمئن است. افغانستان عراق نیست که به بحر راه داشته باشد؛ در کشور محاط به خشکه چون افغانستان، اکمال چنین نیرو نیازمند همکاری کشور های همسایه است که به بحر راه دارند، اما کشور های همسایهء افغانستان از شکست امریکا در افغانستان بیشتر استقبال خواهند کرد. از همسایگان افغانستان تنها کشور دوست امریکا، پاکستان است اما روابط این دو کشور نیز به دنبال حملات طیارات امریکائی به مناطق قبایلی روبه سردی می رود.

راههای مواصلاتی از مسیر پاکستان روزبروز ناامن تر می شود. همین چندروز قبل چند موتر که وسایل مورد نیاز را به نیروهای خارجی در افغانستان انتقال می داد، در درهء خیبر به سرقت رفت. بار این موتر ها سلاح ومهمات وحتی نفرهای زرهی بود. راهها بصورت فزاینده رو به ناامنی می رود.

تا یکسال قبل ناتو امیدوار بود که فدراسیون روسیه را به همکاری در افغانستان لااقل در این بخش ترغیب نماید، اما با وقایع گرجستان و اختلاف میان روسیه وامریکا بر سر سپر موشکی امریکا در اروپا، این امید را نیز به یاس مبدل ساخت.

اردوی ملی

برای مقابله با این چالش یک راه اینست که باید اردوی ملی افغانستان تقویت گردد، اما رسیدن به هدف مطلوب در این زمینه، زمان خواهد برد. گفته می شود که تاکنون اردوی افغانستان هفتاد هزار سرباز دارد و این تعداد باید تا دوبرابر افزایش یابد.

این اردو یک نیروی معاش بگیر خواهد بود که، مصارف آن سالانه به هزاران میلون دالر بالغ خواهد شد. پرداخت چنین هزینه از جانب کشوری که یکی از فقیر ترین کشور های جهان است و اکثریت مردم آن زیر خط فقر زندگی می کنند ناممکن است. کشور های غربی و بخصوص ایالات متحدهء امریکا باید این هزینه را بدوش بگیرند اما چنین کاری تا چه زمان ادامه خواهد یافت؟ اردوی پرهزینه ووابسته ای که به این شکل بمیان می آید تا زمانی می تواند وجود داشته باشد که این کمک ها ادامه دارد.

تجربه نشان داده که امریکا در کشور های فقیر با بمیان آوردن و کمک به اردوهای پر هزینه، موجب دخالت اردو در سیاست شده است. یکی از دلایل کودتا ها در چنین کشورها اینست که افسران نظامی برای اینکه بودجهء نظامی کاهش نیابد همیشه تلاش می کنند یا ارتش در قدرت باشد و یا دست نشاندگان ارتش.

در شرایط فعلی یکی از چالشهای فراراه اردوی افغانستان مشکل فرار سربازان است. اردوی این کشور از مردم همین کشور بمیان می آید وهمان احساساتی را دارد که بقیهء مردم دارند. وقتی در کشوری نیروی خارجی حضور داشته باشد، طبیعی است که نیروهای داخلی انگیزه کمتر برای جنگیدن خواهند داشت. **ادامه درص ۶**

چاره یی جز مجازات ...

همچنان به عنوان اقدام عاجل در جهت محاکمه عادلانه، یک محکمه اختصاصی جهت رسیدگی به جنایات سنگین ایجاد شود، این محکمه شعبات خود را در زون های افغانستان تاسیس نماید، با افزایش حقوق ماهانه قاضیان و سارنولان این محکمه، احتمال رشوه ستانی توسط آنان کاهش یابد و امنیت شغلی این محکمه باید با محافظت محاکم و قاضیان تامین شود.

البته نهاد حقوق بشر سازمان ملل و سایر موسساتی که در عرصهٔ حقوق بشر و قضا کار می کنند و دغدغه حقوق بشر و محاکمهٔ عادلانه را دارند، باید به دولت افغانستان جهت ایجاد این اصلاحات عاجل کمک کنند.

اقدامات درازمدت البته، نیازمند تطبیق طرح های کلان و زمان بر و امکانات هنگفت می باشد. اقدام های درازمدت در واقع بر این اساس بنا می شود که جنایت در جامعه معلول عوامل متعدد و پیچیده است که ریشه کن کردن آن صرفا با مجازات و اعدام به دست نمی آید، ما باید به منظور کاهش و ریشه کن کردن جنایت و ایجاد امنیت، عوامل جرم را از میان برداریم.

فقر وبیکاری عامل عمدهٔ جنایت می باشد، باید چارهٔ برای کاهش این دو پدیده خطرناک اجتماعی بدست بیاید.

فساد اداری که مانع تطبیق عدالت می شود و در مواردی مجرمین با دادن رشوه، خود را از چنگ پولیس و یا محاکمه و مجازات نجات می دهند عامل دیگر جنایت کاری است.

ضعف ارگان های دولت که توان کشف، دستگیری و محاکمه و مجازات مجرمان را ندارند سبب افزایش جنایت می شود.

جنگ و مخالفت های مسلحانه علیه دولت عامل دیگر در این زمینه است، چون مجرمان به آسانی می توانند به صفوف مخالفان بپیوندند یا وارد مناطق تحت کنترول آن ها شوند و از چنگ قانون بگریزند.

مداخلات خارجی که به بهانهٔ حقوق بشری مانع تطبیق قانون و مجازات مجرمان می شوند عامل دیگر است.

حقوق ناچیز مامورین دولت مخصوصا قاضیان، سارنوالان و افراد پولیس، عامل دیگر جنایت کاری است که بدون افزایش حقوق آنان ریشه کن کردن رشوه و فساد اداری ناممکن است.

بنا براین ریشه کن کردن جرم و جنایت در افغانستان، پروسهٔ طمولانی است که باید برای تحقق آن دولت برنامه ریزی نماید. اما این پیچیدگی و تعدد عوامل جنایت در افغانستان، به هیچ صورت چیزی از مسؤولیت دولت و مبرم بودن مجازات جنایت پیشگان نمی کاهد، توقف مجازات مجرمین باعث بی اعتمادی بیشتر مردم از دولت شده و به افزایش جنایت در جامعه منجر خواهد شد.

برگزاری همایش گفتگوی ...

گفته می شود گفتگوی ادیان که از سوی ملک عبدالله پادشاه عربستان سعودی دایر شده است مخالفانی درمیان علمای آن کشور داشته، برخی ها علیه این نشست موضع گرفته اند.

همچنان سازمان های اسلامی مانند جنبش حماس و اخوان المسلمین مصر نیز از برگزاری این همایش انتقاد کرده اند.

گفتگوی ادیان در حالی از سوی عربستان سعودی برگزار می شود که کشورهای غربی به علت آنچه نبود آزادی مذهب در عربستان سعودی می خوانند از دولت آن کشور انتقاد می کنند.

دګاونډيو هېوادونو په ګډون
په "دوشنبه" کې د "ناټو" غونډه او لاملونه يې



شفيق

✓ **د امنيتي بدې وضعې په وړاندې د حکومتي مقاماتو بې وسي او بې کفايتي، فقر او ملاماتونکی بې روزګاري، د سيمه اېزو زورورو ظلمونه، اداري فساد او رشوتونه او په بهر کې د مېشتو مهاجرينو هېوادته نه راستنېدنه هغه حقيقتونه دي چې له يوې خوايې د امريکا د ولسمشری د ټاکنو پرمهال د جمهوري غوښتونکو او د موکراتانو دواړوکانديدانو دريځ په دې کې يو کړی ؤ چې د کرزي دولت په بشپړه توګه ناکام دی**

څه د پاسه څلور کلونه وړاندې د افغانستان ولس "حامد کرزی" ته د هغه د لنډ مهالي او منځمهالي واکمنۍ وروسته يو ځل بيا د ټولټاکنو له لياري رايه ورکړه څو افغان ولس د کورنيو جګړو او نا امنيو څخه خلاص کړي او کار د کار ور خلکوته په سپارلو سره افغانستان د لويديځو هېوادونو په مرستو بې ودان او په هېواد کې د بېکارۍ تغرپول، او د پرله پسې جګړو په نتيجه کې د افغانانو اقتصادي بدحالت ښه او د پرمختګ په لوري يې روان کړي. خو له بده مرغه چې کرزي د خپلې تېرې اته کلنې واکمنۍ په دوره کې دا هدفونه لاس ته راته وړاې شو او بلکې د هېواد امنيتي وضع له يوې ورځې څخه بلې ته لاپسې خرابه شوه؛

په افغانستان کې د ناټو د شپږويشتو هېوادونو په شمول د څلوېښتو په شاوخوا کې هېوادونو ځواکونه چې دا مهال يې شمېر له پنځو سوزرو څخه پورته دی، شتون لري او ترڅنګه يې د هېواد د ملي اردو شمېر هم اوه پنځوس زروته رسيدلی خو بيا هم په دې وروستيو دوؤکلونو کې د دولت د مخالفينو د کنترول ساحه له يوې ورځې څخه بلې ته پراخه شوې ده او په (۲۰۰۷) ميلادی کال کې د "لندن" د "سينلس" شورا د نړيوال تحقيقي مرکز د معلوماتو له مخې د دولت مخالفينو په (۴۵٪) خاوره کنترول لاس ته راوړی ؤ چې په دې وروستيو کې د مخالفينو لخوا د کابل په ګاونډيو ولايتونو کې برلاسي او د پايتخت د ننه د ثور په اتمه د جشن نمانځنې په غونډه مرمۍ توغول او د هندوستان سفارت مخې ته انفجار او ښار کې دننه د مهمو شخصيتونو او خارجي اتباعو تښتونه په ډاګه کوي چې د کرزي دولت نور د امنيت له تامين څخه عاجزه دی او دا هغه حقيقت دی چې د ملګرو ملتونو د سازمان ځانګړي استازی "کاې ايدي" يې هم څه موده مخکې تائېد وکړ چې په افغانستان کې په (۲۰۰۸) ميلادي کال کې د تېرو دريو کلونو په پرتله جګړې زياتې شوي دي.

همدارنګه د امنيتي بدې وضعې په وړاندې د حکومتي مقاماتو بې وسي او بې کفايتي، فقر او ملاماتونکی بې روزګاري، د سيمه اېزو زورورو ظلمونه، اداري فساد او رشوتونه او په بهر کې د مېشتو مهاجرينو هېوادته نه راستنېدنه هغه حقيقتونه دي چې له يوې خوايې د امريکا د ولسمشرۍ د ټاکنو پرمهال د جمهوري غوښتونکو او د موکراتانو دواړوکانديدانو دريځ په دې کې يو کړی ؤ چې د کرزي دولت په بشپړه توګه ناکام دی. چې اوس د "اوبما" واک ته د رسيدنې وروسته افغان ولس ورڅخه هيله لري چې د حقيقتونو په لورې د امريکې نوی ولسمشر ګام اوچت کړي. همدارنګه له بلې خوا د اروپا پخواني ځانګړي استازي فرانس "ويندرل" او ډېرو اروپايي هېوادونو دا حقيقت درک کړی چې د پخواني افغانستان روان کړکيچ د زور له لېاري نه، بلکې د خبرو او سياسي ډيالوګ له لياري حل کېداې شي او په کابل کې د يوناما د سياسي دفتر رئيس

"طلعت بيگ" يو قرغيزی تبعه چارواکي هم د پنجشنبې په شپه د امريکا غږ راډيو سره په يوه مرکه کې په ډاګه کړه چې ملګري ملتونه د سولې د خبرو هڅه کوي، د نوموړي دغه څرګندونې په داسې حال کې مخې ته راځي چې څه موده وړاندې هم د سعودي چارواکو په ميلمستيا او نوبت د دولت د يو شمېر خلکو او د طالبانو د څينو استازو ترمينځه د سولې د هڅو د آغاز په توګه په رياض کې مذاکرات شوی ؤ چې د هغې د دوهم پړاو په اماراتو کې انتظار کيږي.

نو په داسې حال کې تېره دوشنبه د تاجيکستان هېواد په پايتخت "دوشنبه" کې د منځنۍ آسيا د هېوادونو د کار پوهانو په ګډون د ناټو غونډه چې د ګاونډيو هېوادونو کارپوهانو پکې د ګډون کړی ؤه پدې منظور داېره شوې وه چې په افغانستان کې د سولې او امنيت د ټينګښت په لارو چارو غور وکړي. د افغانستان د لانجې په اړه د ناټو يا امريکا لخوا د دا ډول کنفرانس رابلل يو ځانګړې اهميت لري؛ ځکه چې د لومړي ځل لپاره د افغانستان په اړه يو داسې کنفرانس دايريږي چې د يران، پاکستان او چين د هېوادونو زمونږ له هېواد سره په ګونډيتوب سربېره د شمالي ګونډيو نو: تاجکستان، ازبکستان او ترکمنستان هېوادونو په رول باندې په کې هم ارزښت په ګوته کيږي. د "شمالي اتلانتيک تړون" د سازمان په نوښت په دغه کنفرانس کې د جنوبي او مرکزي آسيا د هېوادونو کارپوهانو د افغانستان هر اړخيزه وضع له غور لاندې ونيوله او هغه مهمې ستونزې يې په ګوته کړې چې لامله يې

افغانستان ورسره دا مهال مخ دی چې يو له هغو څخه د مخدره توکو د قاچاق ستونزه ده؛ ځکه د همدغو هېوادونو له لياري چې د افغانستان سره دوه سوه د پاسه زر کېلومتره اوږه سرحد لري، مخدره توکي چې د سيمې لپاره يوه بنيادي ستونزه تشکيلوي، اروپايي هېوادونوته رسيږي او د نړيوالو له نظره د مخدره توکو سوداګري د افغانستان د دولت د مخالفينو يوه اقتصادي منبع جوړوي، په داسې حال کې چې د طالبانو وياند د تېر په څېر يو ځل بيا هم د جمعې په شپه د بی. بی. سي راډيو سره په يو مرکه کې دغه نېوکه رد کړه. خو هغه څه چې د پاملرنې وړ خبره ده، هغه په دې کنفرانس کې د "ناټو" د هېوادونو سربېره، په سيمه کې د آغيز لرونکو هېوادونو، امريکا و د اروپايي اتحاديې د استازو ګډون دی چې د افغانستان په هکله يې د نظرونو تبادله او څرګندونې وکړې او د لنډ مهاله مسئلو پرته د اوږد مهال حل لارې يې هم وڅېړلې. د بي. بي. سي راډيو د يو راپور له مخې د امريکا هېواد درې کاله د مخه د برېښنا د يوې پراخه شبکې وړاندويونه کړېوه چې له مخې به د مرکزي آسيا هېوادونه خپل توليد کړې برېښنا د افغانستان له لېارې هند او پاکستان ته صادره کړي، مګر د افغانستان امنيتي وضع يې په وړاندې خنډ واقع شوې.

که څه هم په تاجيکستان کې د وشنبې د دغه کنفرانس د پريکړو په اړه رسنيو ډېر وضاحت ندی کړی خو د ايران هېواد يو مسؤول مقام يې په اړه اند ښنه څرګنده کړې ده چې د ايراني هېواد د افغانستان د سولې د پروسې په هکله له دريځ څخه سرچينه اخلي. د کوم له مخې چې د افغانستان د دولت د مخالفينو او ترهګری پر دخلاف مبارزې او جګړې د استراتيژۍ د بدلون مسئله راپورته شوې او دکرزي د دولت غوښتنه هم ده.

امريکا و تغيير راهکارهای نظامی در افغانستان ...

مليشه سازی تحت نام (اربکی ها)

از تغييرات ديگری که در تجديد نظر در استراتژی نظامی از آن صحبت می شود، مسالهء مسلح ساختن قبايل تحت نام اربکی است. در عراق دادن پول به سران قبايل و مسلح ساختن قبايل سنی مذهب، توانست موجب جدائی آنان از القاعده گردد و در تامين امنيت نسبی موثر باشد. اکنون به نظر می رسد که اين تجربه در افغانستان نيز بکار گرفته خواهد شد.

اما مسئله اينست که ميان قبايل عرب در عراق و قبايل پشتون در افغانستان و پاکستان تفاوت بسيار است. قبايل عرب در عراق در طول دهها سال در ساختار دولتی کشور دارای نقش و اثر بوده اند، اما قبايل پشتون در طول قرنها به آزادی و خودمختاری خود بيش از هر چيز ديگر اهميت داده اند. آنان با دولت هائی سر سازگاری داشتند که در راه آزادی های شان مانعی ايجاد نکنند.

پيوستن يک قبيله به نيروی مليشه نيازمند يک تصميم جمعی است ودر عين حال بايد موجب درگيری ميان قبايل نگردد. قبايل تمايل به درگير شدن با همديگر ندارند و تصميم در اين مورد نيازمند يک ارادهء مشترک است، تا اين کار به همان نتيجه ای برسد که در عراق ديده شد.

قبايلی ها در افغانستان با همتاهای شان در آنسوی ديورند رابطهء نزديک تر از رابطه با دولت افغانستان دارند و نمی توانند به تمايل قبايل آنسوی مرز بی توجه باشند. قبايل آنسوی مرز تا کنون با جديت از طالبان و القاعده جانبداری کرده اند.

پول و امتيازات مادی شايد بتواند وسيله ای برای تشويق در اين زمينه باشد، اما تجربه نشان داده که استفاده از نيروی مليشه در مناطق پشتون نشين افغانستان بعنوان يک نيروی جنگی، زياد موثر نيست.

در مجموع مليشه سازی مجدد و دادن اسلحه به آنان، با هدف خلع سلاح افراد و گروه های غير مسئول که بخاطر آن صدها مليون دالر مصرف شد در تضاد است و در عين حال ميان اقوام ديگر افغانستان اين ترس و نگرانی را بوجود خواهد آورد که مسلح شدن مجدد نيروهای مليشهء پشتون موجب سرکوب ديگران در آينده خواهد شد و اين کار را نوعی جايزه برای پشتون ها که درگير جنگ اند خواهند دانست درحاليکه هواداران صلح بخاطر دست برداشتن از خشونت و جنگ، مجازات می شوند.

دولت افغانستان تلاش دارد تا اين مليشه ها را تحت نام اربکی که يک تعامل قديم قبايلی است مسلح سازد. اما اربکی با مليشه کلا فرق دارد.

نيروی اربکی را قبايل با تفاهم با همديگر بصورت مشترک ميان خودشان بميان می آورند. هرقبيله تعدادی جوان را به اين نيرو معرفی می کند؛ سلاح ومهمات و مصارف اين نيرو را قبايل بصورت مشترک می پردازند. اين نيرو نه در چهارچوب نيروهای مسلح دولتی فعاليت می کند و نه تحت کنترول آنان می باشد.

وقتی گفته می شود که اربکی ها بايد معاش بگير دولت و تحت امر پوليس ملی باشند، اين نيرو همان نيروی مليشه خواهد بود. (درست مانند ادعای وزارت صحت عامهء افغانستان در مورد کولر و شبه کولر!).

کشور های همسايه

نقش کشورهای همسايه، افغانستان در صلح و امنيت افغانستان کاملا روشن است، اما تا کنون خارجيان که بازيگران اصلی صحنهء افغانستان اند به اين مسئله توجه کمتر داشته اند. روابط پرتنش ميان امريکا و ايران بر سر برنامهء اتومی اين کشور واختلاف موجود ميان امريکا و پاکستان می تواند چالشی بزرگ در برابر تغيير راهکار های امريکا در افغانستان باشد.

باراک اوباما در جريان کمپاين انتخاباتی خود اشاراتی در مورد تفاهم با ايران داشت. بهبود روابط امريکا با ايران و کاهش نگرانی های همسايه های افغانستان وکشور های منطقه از اهداف امريکا که با تغيير در قصر سفيد محتمل به نظر می رسد می تواند تغيير در راهکار ها در افغانستان ممد واقع گردد.

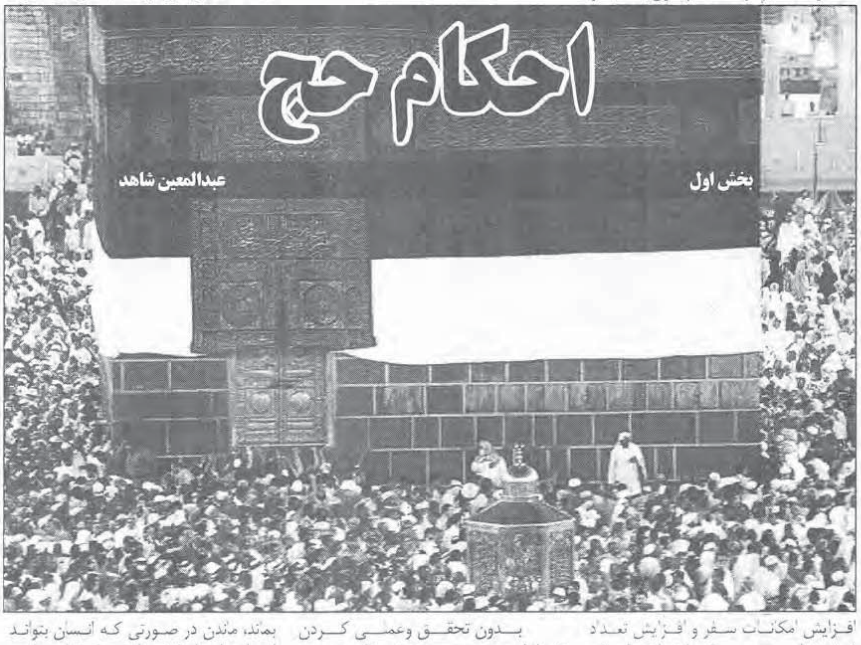
مسئلهء مهم در اين رابطه دوام کمک به برنامه های بازسازی در افغانستان است. بميان آمدن يک حکومت بهتر از آنچه که در طول هفت سال گذشته مردم افغانستان شاهد آن بودند می تواند در تغيير وضع امنيتی نيز بسيار موثر باشد. فساد گستردهء اداری و دوام ناکامی های هفت سال گذشته، اميد مردم برای يک آيندهء بهتر را به يأس مبدل ساخته است.

از شکار القاعده تا شکار قلب ها

مذاکره و تفاهم با نيروهای مخالف دولت از جمله تغييرات مورد نياز در راهکار های جديد دولت امريکا عنوان شده است، اما در اين مورد نيز نقاط ابهام بسيار است. گفته می شود که مخالفين بايد قانون اساسی دولت افغانستان را برسميت بشناسند و به نظام جديد کشور احترام بگذارند.

اين پيش شرط ها به اين معنی است که با مخالفين دولت صلح نخواهد شد اما اگر خارجيان می خواهند در اين جنگ شکست نخورند بايد در جهت بدست آوردن قلب های مردم افغانستان تلاش نمايند تا مردم از حمايت شورشيان دست بردارند. کاری که تاکنون به آن توجهی نداشته اند. تاکنون آنچه برای امريکائی ها در افغانستان از اولويت برخوردار بوده شکار القاعده بوده است نه شکار قلب های مردم افغانستان. اما آنها هيچکدام از اين دو را بدست نياوردند.

تغيير بنيادی در راهکار های دولت امريکا در مورد افغانستان در قدم اول نيازمند توجه به همين مسئلهء نهايت مهم است. اما آيا می توان آنچه را که مردم بخصوص در جنوب کشور در طی هفت سال گذشته شاهد بودند از ذهن آنان زدود؟ آيا می توان روحيهء سربازان امريکائی را در کوتاه مدت تغيير داد تا از اين ببعد رفتار بهتری با مردم غير نظامی داشته باشند؟



ضرورت آموختن احکام حج و عمره

شما جهت رفتن به عربستان سعودی و شهر مکه به قصد ادای حج و یا عمره ناگزیر، به ادارات مربوط حکومتی مراجعه می کنید و پس از طی مراحل اداری درد سر آفرین، شامل لست حاجیان می شوید، سپس اقدام به سفر دور ودراز به عربستان سعودی می کنید، شما دراین سفر مشقت می بینید و پول هنگفت را مصرف می کنید. اگر چنانچه شما به احکام و مراسم حج آشنایی نداشته باشید، نمی توانید آن را درست انجام دهید و در نتیجه حج شما ناقص و یا حتا باطل می شود و تمام رنج ها و مصرف های تان ضایع می گردد، بناء لازم است هر کسی که قصد ادای حج و عمره را داشته باشد، حتما احکام حج و عمره، فرض ها، واجبات و سنت های آن را بیاموزد، تا آن را به وجه احسن مطابق شروط و احکام شریعت انجام داده و مستحق اجر بزرگ شود.

آمادگی برای سفر حج :

پیش ازحج، انسان باید ازگناهان توبه نماید، درصورتی که حقی از دیگران به گردن او باشد، باید آن حق را اداء کند، مصارف سفر را از مال حلال آماده نماید، کوشش کند از میان انسان های صالح و نکوکاری که راهی سفر حج می باشند همراهان و هم صحبتان شایسته بیابد، تا در مواقع لازم با شما همکاری کند.

کسی که روانهٔ سفر حج است باید تصمیم بگیرد، هیچگاه دست به گناه نزند، به سنت پیامبر احترام و پایبندی داشته باشد، تمام نیت و قصد وی اخلاص به خداوند و رضای او تعالی باشد، همهٔ وقت خودرا به عبادت خداوند اختصاص دهد وازجدل ونزاع واشتغال به امور دنیوی اجتناب نماید، کوشش کند وقت خودرا درعبادت خداوند، ذکر ودعا وخواندن قرانکریم بگذراند و می تواند از پرداختن به امور دنیوی خودرا دور نگهدارد.

حج بر چه کسی فرض است؟

حج بر کسی فرض است که شرط های حج را داشته باشد، شرط های حج عبارت است از : اسلام، بلوغ، عقل، آزادی و توانمندی.

بناء حج بر مسلمانی فرض می شود که بالغ، عاقل و آزاد بوده و توانمندی ادای آن را داشته باشد.

توانمندی شامل توانمندی اقتصادی و بدنی می گردد. توانمندی اقتصادی آن است که انسان مصارف رفت و برگشت حج را که عبارت از کرای طیاره یا موتر و همچنان مصارف اقامت، مانند کرایهٔ هوتل و غذا می باشد، داشته باشد و همچنان مصارف خانواده و عیال خویش را که تا بازگشت کفایت کند به آن ها بسپارد. اگر کسی چنین دارایی و سرمایه در اختیار نداشته باشد حج بر وی فرض نیست.

توانمندی بدنی آن است که انسان از سلامت جسمی برخوردار بوده و قدرت تحمل سختی های سفر و انجام مراسم حج را داشته باشد. بناءً حج بر معلول، پیر ناتوان و مریض که قدرت تحمل دشواری سفر حج را نداشته باشد، فرض نیست. آدم نا بینا اگر شرایط حج را داشته باشد در صورت داشتن یک کمک کننده و راهنما، بر وی فرض می گردد، اما اگر چنین کمک کننده نداشته باشد بر وی فرض نیست.

در رابطه با زنان شرط دیگری است و آن داشتن محرم شرعی است که، شامل شوهر، برادر، فرزند و برخی دیگر محارم می گردد، اما اجازه گرفتن از شوهر برای زن لازم نبوده، زن می تواند بدون اجازه شوهر به حج برود.

امروز در کشورهای اسلامی علما فتوا داده اند که اگر یک مجموعه از زنان، یکجا حرکت کنند می توانند بدون محرم به حج بروند.

حکم حج

اگر برای مسلمانی شرایط حج ایجاد شود، حج بر وی یک بار در عمر فرض می گردد. هر زمانی که حج بر کسی فرض گردد لازم است، بدون تأخیر، آن را ادا نماید. اما اگر نتواند فورا حج را ادا کند، هر زمانی که آن را ادا کند از ذمهٔ وی رفع می شود.

حج بر اساس آیات قرآنکریم، احادیث پیامبر و اجماع فرض می باشد.

حج بار دوم حج نفلی است که اجرزیاد دارد، اما امروزه بنا بر دلایلی، برخی علما گفته اند. اگر توانگران به جای بار دوم و یا سوم رفتن به حج، در امور خیریه وعام المنفعه پول خود را مصرف کنندبهتراست، چون بنا بر افزایش امکانات سفر و افزایش تعداد ثروتمندان، حج بر شما زیادی فرض می گردد. رفتن بار دوم و یا سوم از یک سو باعث تلف شدن حق کسانی می شود که حج بر آن ها فرض گردیده و ازجانب دیگر اماکن حج ظرفیت بیش از تعداد معین را ندارد. بنا بر این به حج رفتن برای بار دوم تا سوم باعث ضایع شدن نوبت دیگران می شود.

ارکان حج

ارکان حج یعنی فرض ها و مراسم مهم و اساسی حج، در مذهب حنفی حج دو رکن دارد: نخستین رکن حج ایستادن (وقوف) در عرفات در روز نهم ذوالحجه و دومین آن، طواف زیارت است که در روز دهم تا چهاردهم ذوالحجه باید ادا شود، اگروقوف در عرفات ترک گردد، حج کاملا باطل می شود. اگرحج کسی باطل شود، باید سال آینده اقدام به ادای حج نماید.

واجبات حج

حج دارای پنج واجب است:

۱- سعی میان صفا و مروه.

۲- ایستادن یا وقوف در مزدلفه که درشب هشتم ذوالحجه زمانی که از منا به سوی عرفات می رود، انجام می گیرد.

۳- رمی جمرات یعنی سنگ زدن جمره ها.

۴- تراشیدن یا اصلاح موی سر.

۵- طواف وداع.

اگر واجبات حج ترک شود، حج صحیح می شود، اما باید، واجب ترک شده، دوباره ادا شود و اگر نتواند آن را دوباره ادا کند، باید قربانی نماید.

اما سنت ها و مستحبات حج اگر ترک شود، حج انسان درست می شود و بروی چیزی لازم نمی گردد.

شرط های حج:

شرط های حج آن است که بدون آن حج تحقق نمی یابد، حج دارایی سه شرط عمده می باشد.

احرام یکی ازشرط های حج است، که شخص نیت انجام حج ویا عمره را می کند و در پی آن لباس خاص احرام را بر تن می کند.

زمان نیز شرط دیگر حج است که از روز ۸ تا ۱۳ ذوالحجه یعنی ۶ روز را در بر می گیرد، مثلا ایستادن در عرفات باید در روز دهم ذوالحجه انجام یابد، تقدیم و تأخیر آن درست نیست.

همچنان مکان وجاهای انجام مراسم حج، از شرطهای دیگر می باشد، مثلا طواف باید به دور مکه معظمه انجام یابد.

بدون تحقق وعملی کردن شرطهای حج، حج صورت نمی گیرد.

انواع حج

حج با در نظر داشت یکجا بودن یا یکجا نبودن با عمره، بر سه نوع تقسیم می گردد. کسی که قصد ادای حج را دارد یا این که نیت می کند تنها حج نماید ویا این که یکجا با حج، عمره را نیز ادا نماید، در صورت عمره کردن با حج، یا این است که هردو را یکجا ادا کند یا این که، نخست عمره کند وبعد حج نماید، اگر تنها ادای حج را نیت کند، این را حج افراد می گویند ، یعنی حج تنها، اگر نیت کند که حج وعمره را یکجا انجام می دهد ، این را حج قران می گویند، واگر نیت کند که حج وعمره هردو را انجام می دهد آما نخست عمره می کند وبعد حج می کند این را حج تمتع می گویند.

بناء حج سه نوع است:

۱- حج افراد:

حج افراد آن است شخص نیت کند که تنها حج می کند وعمره بجا نمی آورد، در این نوع حج، شخص پس از مواصلت به مکه، درحالت احرام بماند ولباس احرام را از تن بیرون نکند تا ایام حج فرا برسد و با آن احرام، مراسم حج را برگزار کند. در حج افراد قربانی یا هدی واجب نمی شود. حاجی که افراد به جا می آورد می تواند، پس از مراسم حج، عمره کند، در این صورت باید از مکه خارج شده و از یکی از میقات ها احرام نموده به مسجد باز گردد و عمره نماید.

۲- . حج تمتع:

آن است که شخص در ماه های حج که عبارت از ماه های هجری قمری شوال، ذوالقعده و دههٔ نخست ذوالحجه می باشد، عمره را به جا می آورد و از احرام خارج می شود، وقتی در همان سال، ایام حج یعنی هشتم ذوالحجه فرا برسد، وی به نیت انجام حج احرام نماید، انسان در هر جای که در مکه اقامت داشته باشد، می تواند احرام نماید. در حج تمتع قربانی واجب می شود.

۳- حج قران:

حج قران آن است که نیت کند با یک احرام حج و عمره هر دو را یکجا ادا می کند، پس از طواف لباس احرام را بیرون نکند تا آنکه موقع حج فرا برسد وبا همان احرام، مراسم حج را ادا کند. در حج قران قربانی واجب می شود.

بهترین حج در مذهب حنفی قران می باشد، اما در صورتی که انسان زود تر وارد سعودی شود وتا زمان آغاز حج، مدت زیاد مانند یک ماه مانده باشد، اگر نیت حج قران را نماید، ناگزیر است، تا پایان مراسم حج در احرام بماند، ماندن در صورتی که انسان بتواند این احرام طولانی را تحمل نماید، اجر فراوانی نصیب او می گردد، در مذهب حنفی بهترین حج حج قران است، اما اگر مشکل داشته باشد می تواند تمتع و یا حج افراد نیت کند. در این صورت می تواند پس از عمره یا طواف از احرام خارج شود و در روز هشتم ذوالحجه برای حج احرام نماید.

احرام:

احرام عبارت از آمادگی برای ادای مراسم فریضهٔ حج می باشد، درحالت احرام انسان خودرا برای ادای حج ویا عمره از دیگر کارها فارغ می کند واز دست زدن به برخی امور مانند آمیزش با همسر ویا اصلاح موی سر اجتناب می کند، در حالت احرام مردان باید لباس خاص را بپوشند که آن را لباس احرام می گویند.

لباس احرام دو پارچه چادر است، یکی از این چادرها بجای ازار از ناف تا بجلک را می پوشاند، پارچهٔ دومی به عنوان بالا پوش استفاده می شود که قسمت بالای بدن از شانه ها تا پایین کمر را می پیچاند.

اما زن باید از لباس عادی استفاده کند که، همه بدنش را جز روی و دست ها ی او را بپوشاند. لباس های زن باید مناسب عظمت وروحانیت حج بوده، برجستگی های بدن را نمایان نسازد وشفاف نباشد.

لباس احرام در میقات ها ویا درجای قبل از آن پوشیده می شود، قبل از احرام، اگر ممکن باشد غسل می کند مانند غسل جنابت، واگر نتوانست وضو نماید، پس از آن لباس احرام به تن کند و دعای تلبیه بخواند.

دعای تلبیه چنین است" **(لبيك اللهم لبيك، لبيك لا شريك لك لبيك، إن الحمد والنعمة لك والملك، لا شريك لك)**

قبل از احرام موهای سر ودیگر قسمت های بدن را که لازم باشد اصلاح می کند ، ناخن هایش را قطع می کند وغسل می نماید.

میقات های احرام

میقات، محل های است که درنزدیکی شهر مکه قرار دارد، اگر شخصی قصد ادای حج ویا عمره را نماید، باید قبل از رسیدن به آن محلها احرام نماید، اگر قبل از آن احرام نکرده باشد باید در آنجاها احرام نماید وبدون احرام نگذرد.

پنج میقات در راه های منتهی به مکه قرار گرفته است

ذو الحليفهٔ یا (آبار علی) : برای کسی که از مدینه می آید

جحفهٔ یا (رابغ): در راه شام که شامل سوریه، لبنان وفلسطین می گردد، واقع شده است.

ذات عِرق: درمسیرعراق قرار دارد.

یلملم : در مسیریمن موقعیت دارد.

قرن: برای کسانی است که از مسیر نجد می آیند.

در تمام این نقطه ها اکنون مسجد و تسهیلات جهت وضو و غسل ساخته شده است.

کسانی که توسط طیاره ازافغانستان پرواز می کنند ودرمیدان هوای جده پایین می شوند، باید درمیدان های هوای افغانستان ویا درداخل طیاره قبل ازرسیدن به جده احرام نمایند.چون میدان هوای جده در میان مکه و میقات قرار گرفته است.

کسی که در داخل شهر مکه قرار داشته باشد وقصد ادای عمره را نماید، به منطقه تنعیم که درآنجا مسجدی بنام مسجد تنعیم ساخته شده می رود واحرام می کند.

اگر کسی که به قصد ادای حج ویا عمره وارد مکه می شود، باید بدون احرام از میقات یا موازات آن نگذرد ، در صورتی که چنین کند، باید دوبره به یکی از میقات ها برگردد و احرام نماید، اگر این کار را نکند و از محلی پس از میقات احرام نماید، بر وی دم واجب می گردد.

روز دهم به مکه باز می گردد، طواف زیارت را انجام می دهد، این طوف دومین رکن حج می باشد، اگر در روز دهم ذوالحجه نتواند طواف زیارت نماید، در ایام تشریق یعنی ۱۲،۱۱ و۱۳ ذوالحجه می تواند آن را انجام دهد، اگر شخص در طواف قدوم سعی نموده باشد، پس درطواف زیارت سعی بر وی لازم نیست.

درحالت احرام از چه کارهای باید پرهیز شود؟

شخصی که در حالت احرام باشد، لباس احرام به تن داشته واز دست زدن به برخی کارها پرهیز نماید، احرام درحج تا روز دهم ذوالحجه که حاجی جمره ها را سنگ بزند وسر خود را بتراشد، ادامه می یابد. در حالت احرام با همسرخویش هیچ نوع رابطه جنسی نداشته باشد، سرخودار نپوشاند، موهای هیچ قسمت از بدنش را نتراشد وکوتاه نکند، ناخن هایش را قطع نکند، ازعطر استفاده نکند و ، هیچ نوع لباس دوخته شدهٔ حتا پاپوش دوخته شده را نپوشد، سر خویش را نپوشاند، از عطر استفاده نکند از قطع درختان وشکار حیوانات بری اجتناب نماید.

اگر در حالت احرام یکی از این افعال را انجام دهد، حجش درست می شود اما بر وی قربانی واجب می گردد.

اما آمیزش جنسی در حالت احرام قبل از زدن جمرهٔ عقبه در روز دهم ذوالحجه، باعث باطل شدن حج می گردد.

در حالت احرام زنان از پوشاندن روی ومچ دستان خویش پرهیز کنند.

اما در حالت احرام، غسل کردن، تبدیل کردن احرام، استفاده از صابون وآیینه واستفاده از سایبان وچتری جایز است. زنان می توانند در حالت احرام موهای خویش را شانه کنند.

ادامه دارد

هفته نامهٔ

وانان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می‌کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.

● مطالب آمده مسترد نمی گردد.

● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما

حضرت محمد(ص) رهبر ما

قرآن قانون ما

جهاد راه ما

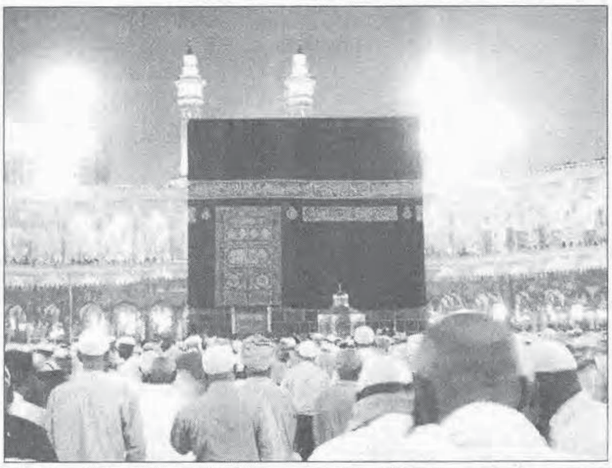
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال هفتم – شمارهٔ بیست و چهارم شنبه ۲۵ عقرب ۱۳۸۷- ۱٦ ذوالقعده ۱٤۲۹ - 15 November 2008

احکام حج

ضرورت آموختن احکام حج و عمره

کسی که روانهٔ سفر حج است باید تصمیم بگیرد، هیچگاه دست به گناه نزند، به سنت پیامبر احترام و پایبندی داشته باشد، تمام نیت و قصد وی اخلاص به خداوند و رضای او تعالی باشد، همهٔ وقت خودرا به عبادت خداوند اختصاص دهد وازجدل ونزاع واتشغال به امور دنیوی اجتناب نماید ادامه درص۷



د درسی کتابونو د لیکلو د بهیرستونزې

فقیری

پاتي برخه

۵- د درسی کتاب په لیکلو کی باید د ژبی پوهی زیاتوالی لپاره ځانګړی پاملرنه وشی. د تعلیمی نصاب اداره باید مخکی دکتابونو د تالیف نه یو لړکلمي په ګوته کړی چی باید له اول نه تر دولسم ټولګی لپاره په کتابونو کی ځای ورکړل شی.

د مثال په توګه د اول ټولګي لپاره پنځوس کلمی د دویم لپاره اویا او په همدي توګه تر دولسم ټولګی پوری. دا کلمی دشاګردانو د سویې سره سم باید انتخاب شی او دیو ټولګی په بیلابیلو کتابونو کی ورځای شی. ګټه به یې داوی چی زده کوونکی په هر درسی کال کی له نوی کلماتو سره آشنا کیږی او د هغوی پوهه زیاتیږی. دوی کولای شی چی درسنیو له خپرونونه ګټه واخلی ځکه چی له کلماتو سره د درسي کتابونو له لاری آشنایی لري.

دا کلمی په ورځنی ژوند کی هم کارول کیږی او په دی توګه سم او درست کلمات د ناسمو کلمو ځای نیسی.

۶- د هرکتاب په لیکلو کی باید دی ته هم پاملرنه وشی چی درسونه له آسان نه دسخت په لور پرمختک ولری او دکتاب آخری درسونه د لومړنیو درسونونه آسان نه وي. دا کار باید په ټولومضامینو په پام کې ونیول شی.

۷- کله ناکله داسی هم لیدل کیږی چی دیوه مطلب په اړه په مختلفو مضامینو کی درسونه وی او د درس معلومات له یو کتاب بل کتاب ته توپیرلری! او کله داسی هم کیدای شی چی داتوپیر د یوه ټولګی په کتابونه کی وی! یعنی د پښتو د مضمون درس په هماغه موضوع کی د تاریخ له درس سره توپیر ولری.

۸- څرنګه چی اوس هرکتاب یو مولف او لیکونکی نه بلکی دوه او له دی نه زیات هم لری، نو کیدای شی چی د مولفانو دلیک سویه سره انډول و نلری!

یو مولف خپل مطلب په آسانو کلمو او جملو کی وړاندی کوی او بل مولف دا کار نه کوی او یا عادت نلری او ورته ګران ښکاری! نو له دی کبله د کتاب درسونه له انډول نه بی برخی وی.

۹- د درسونو په لیکلو کی یوه لویه ستونزه د منابعو نشتوالی او یا لاس رسی ده. ډیر مولفین غواړی چی د یو درس په هکله پوره او کره معلومات ترلاسه کړی خو منابع نه پیداکیږی یا لاس ته نه راځی.

۱۰- له نیکه مرغه اوس د کتابونو د لیکلو نه پس له بیلابیلو اړخونو له خوا دا کتابونه چاڼ کیږی.

لومړی په تعلیمی نصاب کې د ځانګړی مشر له خوا د کتاب د محتویاتو سمون د علمی اساساتو په پنا. تایید کیږی او وروسته د دینی علومو د ځانګی له خوا د کتاب د درسونو سمون له دینی موازینو سره کتل کیږی او بیا د سیاسی او فرهنګی اړخه هم کتل کیږی او په پای کی د ژبي له نظره چی سم کلمات او جملات ولری هم لیدل کیږی او په یوه فورمه کی د یادوشوو ځانګو مشران ټول دستخطونه کوی او د کتاب دچاپیدو لپاره دا کار ضروري ده.

پاي

نخستین گردهمایی بین المللی اخوت اسلامی درکابل ...

استاد اظهار نمود، مسلمانان باید اختلافات را کنار گذاشته و به مشترکات توجه نمایند.

شیخ آیت الله آصف محسنی وحدت ملی و برادری را یکی از اولویت های جوامع اسلامی در شرایط حاضر خواند و تأکید کردکه اگر می خواهیم که با آبرو و عزت زندگی داشته باشیم باید اخوت اسلامی را به معنای واقعی آن در جوامع خود نهادینه سازیم.

حسن غنیم استاد جامعه ازهر مصر ضمن سخنرانی مبسوطی تأکید کردکه امروز یک پارچگی بین مسلمانان بیش از بیش ضروری است و مسلمانان باید بدون تعصب به ریسمان الهی (حبل الله) چنگ بزنند. وی رسیدن به این راه را مشروط به اخلاص و صدق دانسته از علما خواست، دراین راه پیشگام باشند.

وی همچنان افزود، اگر می خواهیم وحدت برادری در جامعهٔ اسلامی نهادینه شود، باید این کار را ازمحیط خانواده و مدارس برای اطفال شروع نماییم.

استاد سیاف سخنران دیگر این همایش گفت: مسلمانان باید راه های تقریب مذاهب و یکپارچگی را جستجو نمایند و آن را عملی سازند، وی در این زمینه از روزهای دینی مانند رمضان و عیدها یاد آوری نمود و گفت که اگر تمام مذاهب اسلامی در تمام جهان روزهای معین را برای رمضان و عیدها توافق کنند، هیچ مانعی در هیچ مذهب وجود نداشته باعث تحکیم اتحاد و یکپارچگی مسلمانان می شود.

محمد اکبری عضو پارلمان افغانستان در رابطه با برگزاری این گردهمایی گفت: برگزاری چنین همایشی می تواند مسلمانان را به سوی وحدت ویک پارچگی رهنمایی نموده در رابطه با دیگر، فرهنگ ها و ادیان دارای هویت و تأثیر گذاری باشند.

سید عالم بلخی نمایندهٔ مردم در پارلمان در مورد این همایش گفت: در شرایطی که کشور در حالت بحرانی قرار دارد، برگزاری چنین همایش یک گام ضروری در راستای پرهیز از اختلافات و نزدیک شدن مسلمانان می باشد.

در این همایش آیت الله تسخیری رئیس مجمع جهان تقریب مذاهب نیز شرکت داشت وسخنرانی کرد.

رویداد های مهم هفته

مدیر امنیت ولسوالی ادرسکن ولایت هرات کشته شد

مدیرامنیت ولسوالی ادرسکن ولایت هرات همراه با دادستان آن ولسوالی و دوتن دیگر روز دوشنبه ۲۰ عقرب بر اثر انفجاربمب جاسازی شده در کنار سرک کشته شدند.

ولسوال ادرسکن ضمن تایید این خبر به رسانه ها گفته است که همراه مدیر امنیت و سارنوال یک داکتر و راننده موتر نیز کشته شده اند.

در خبر آمده است که سه تن از محافظان آنان نیز در این حادثه مجروح شده اند.

خبرنگار نیویارک تایمز در لوگر ربوده شد

افراد مسلح ناشناس شام روز دوشنبه ۲۰ عقرب خبرنگار روزنامهٔ نیویارک تایمز را همراه با ترجمان و رانندهٔ آنان از ولسوالی نا آرام چرخ ولایت لوگر ربودند.

گفته می شود که نیروهای امنیتی افغانستان و خارجی عملیات گسترده یی را به منظور رهایی این خبرنگار آغاز کرده اند.

آزادی خبرنگار ربوده شدهٔ کانادایی از ولایت وردک

نیروهای امنیت ملی روز دوشنبه ۲۱عقرب خبرنگار ربوده شدهٔ کانادایی را که چندی قبل از ساحهٔ چهاراهی قمبرشهر کابل ربوده شده بود، بعد ازچند هفته آزاد ساختند. گفته شده است که این خبرنگار کانادایی در یک چاه نگهداری می شد و در پیوند به این مسأله سه تن که گفته می شود از گروه دوم باند اختطاف گر هستند بازداشت شده اند.

انفجاری در قندهار پنج کشته به جا گذاشت

انفجار یک موتربمب گذاری شده در مقابل ساختمان شورای ولایتی، ولایت قندهار روز چهارشنبه ۲۲ عقرب پنج غیرنظامی را کشت و باعث مجروح شدن ۴۸ تن دیگر گردید، گفته می شود که یک زن درمیان کشته شدگان و شش پولیس در میان مجروحان حادثه قرار دارند. این حمله زمانی روی دادکه برادر رئیس جمهور سرگوم جلسه یی درساختمان شورای ولایتی آن ولایت بود، ساختمان شورا تخریب شده، اما به وی آسیبی نرسیده است.

چندتن از مجرمان اعدام شدند

رسانه های دولتی گزارش داده اند که دولت هفت تن از مجرمان را که به اتهام تجاوز جنسی، آدم ربایی و سرقت اموال به اشد مجازات یعنی اعدام محکوم شده بودند، اعدام شدند. در خبرها آمده است که این افراد در ولایات کابل، هرات، تخارو جوزجان اعدام شده اند.

تغییرات در فرماندهی پلیس ولایت هرات

وزارت اموداخله روز چهارشنبه ۲۲ عقرب از تغییرات گسترده در سطح فرماندهی پلیس ولایت هرات خبر داده است. زمری بشری سخنگوی وزارت امور داخله گفته است که عصمت الله علی زی به حیث فرماندهٔ پلیس و ژنرال ملهم به حیث فرمانده پلیس مرزی مقرر شده اند. به نقل از سخنگوی وزارت داخله گفته می شود که فرمانده پلیس مرزی نیز جدید تقرریافته است.

اولین گروپ حاجیان عازم عربستان سعودی شدند

اولین گروپ از زایران خانهٔ خدا روز چهارشنبه ۲۲ عقرب توسط یک فروند طیارهٔ شرکت آریانا کابل را به قصد عربستان سعودی ترک کردند. وزارت حج ارشاد و اوقاف گفته است که برای سی هزار حاجی افغانستان آمادگی های لازم گرفته شده است.